هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور هفتم سال پنجم شمارهٔ چهل و دوم پنجشنبه ۲۸ حوت ۱۳۸۵ ۳۰ صفر المظفر ۱۴۲۶ - March ۱۹, ۲۰۰۷

تصویب دوباره‌ء منشور مصالحه‌ء ملی در مجلس نمایندگان

منشور مصالحه‌ء ملی که با پیشنهادهایی از جانب رئیس جمهور به مجلس نمایندگان ارجاع گردیده بود به تاریخ ۱۹ حوت روز شنبه بار دیگر با اکثریت قاطع نمایندگان تأیید شد.

به گزارش دفتر مطبوعاتی ریاست جمهوری، حامد کرزی پس از مشورت با حقوقدانان، رهبران مجاهدین و نمایندگان جامعه‌ء مدنی، در این طرح تعدیلاتی وارد نموده و آن را دوباره به شورای ملی ارجاع نموده است.

طبق این گزارش آقای کرزی از تلاش های پارلمان جهت ایجاد فضای مصالحه قدردانی نموده است.

در طرح تعدیل شده‌ء این منشور تصریح گردیده است مسائل حق العبدی یعنی حقوق افراد جهت اقامه‌ء دعوی محفوظ می باشد.



طرفداران منشور مصالحه‌ء ملی این منشور را جهت ایجاد فضای اعتماد و باور متقابل میان گروه های افغانستان و به میان آمدن صلح و ثبات در کشور مهم می دانند. از دید این گروه ها به هیچ صورت هدف این منشور جلوگیری از اجرای عدالت نیست.

سازمان ملل قبلاً با طرح اولی این منشور مخالفت نموده بود از طرح تعدیل شده‌ء آن به صورت محتاطانه استقبال نموده است.

برخی از نمایندگان شورای ملی بر شیوه‌ء تصویب این طرح انتقاد نمودند. چون در قانون اساسی اجرای تعدیل از طرف رئیس جمهوری بیش بینی نشده است. طبق قانون اساسی رئیس جمهور قوانین تصویب شده‌ء پارلمان را یا توشیح نماید و یا آن را رد کند.

اما طرفداران این مصوبه می توانند که آنچه رئیس جمهور انجام داده است به عنوان پیشنهاد بوده و نه تعدیل چنان شایع شده است. متن مصوبه را می توانید در صفحه‌ء ملاحظه کنید

سمیناری به نام همراه با زینب

در تجلیل از روز زن برگزار شد

روز یکشنبه ۲۷ حوت در هتل گلزاد سمیناری از سوی شورای متحد ملی به ریاست قاضی راحله سلیم عضو مجلس نمایندگان در تجلیل از روز زن برگزار شد که در آن گروهی از زنان شرکت کردند و در این همایش شماری از مسؤولان شورای متحد ملی سخنرانی نمودند.

برخی از سخنرانان بر این مسأله تأکید کردند روز هشتم مارس که به عنوان روز جهانی زن شناخته شده است مبین فرهنگ جهانی نیست و جهانی شدن مفهومش این نیست که ما همه چیز را از غرب کپی کنیم. هشتم مارس حادثه یی است متعلق به برخی از مشکلات زنان در جامعه‌ء غربی اما ما در تاریخ فرهنگ و تمدن خویش الگوهایی بس بزرگ داریم که می توانند پاسخگوی رنج ها و آرمان های زنان در جامعه‌ء اسلامی باشند مانند زینب که با رساترین آواز عدالتخواهی را در درازای تاریخ فریاد کرد و خدیجه نخستین همسر رسول خدا صلی الله علیه وسلم که با ایمان آوردنش در نخستین لحظه های رسالت پشت و پناه پیامبر قرار گرفت و برای سعادت انسانیت نقش بازی کرد.

در پایان این همایش پیشنهادی از سوی حاضران امضاء شد که در آن از شورای ملی خواسته شده است که روز نزول وحی و ایمان آوردن خدیجه نخستین زن مسلمان را به عنوان روز زن در افغانستان مورد تصویب قرار دهد و درج تقویم رسمی کشور گرداند.

آقای محمدی استاد دانشگاه کابل جهت بهبود وضعیت زنان افغانستان پیشنهاد کرد که دفاتر ازدواج و طلاق در سراسر کشور به گونه‌ء رسمی افتتاح شود که مورد توجه حاضران قرار گرفت.

جایگاه قیام ۲۴ حوت هرات در جهاد افغانستان

ص۲

مذاکره‌ء حکمتیار با دولت



حکمتیار رهبر حزب اسلامی جهت مذاکره با حکومت افغانستان اعلان آمادگی نموده است؛ حکمتیار در مصاحبه یی با یک روزنامه‌ء امریکایی این آمادگی خویش را ابراز نمود.

از جانب دیگر یکی از سخنگویان طالبان اختلافات حکمتیار با طالبان را تأیید نموده گفته است که ائتلاف حکمتیار برای هیچ گروهی تا هنوز فایده یی در بر نداشته است.

بدون شک مذاکرات با حکمتیار تصمیم دشوار برای حکومت کرزی خواهد بود. حکمتیار که بعد از سقوط طالبان در کنار القاعده و شورشیان طالب علیه حکومت کرزی و نیروهای خارجی جنگیده است از طرف سازمان ملل در فهرست تروریستان ثبت شده و امریکا برای دستگیری وی جایزه تعیین نموده است اما دولت افغانستان در گذشته آمادگی خویش را برای مذاکره با حکمتیار اعلان نموده است.

دیدار هیأت جمعیت اسلامی افغانستان از ترکیه



هیأت در بحث دموکراسی با یک تن از پروفیسران انستیتوی مدیریت خاورمیانه و جمهوری ترکیه در آنکارا

یک هیأت هفت نفری جمعیت پس از یک هفته دیدار رسمی از جمهوری ترکیه در واخر هفته‌ء گذشته به کشور بازگشت.

این هیأت به دعوت وزارت خارجه‌ء کشور ترکیه جهت بازدید از مؤسسات دموکراسی و آگاهی از روند تطبیق ارزش های آن در ترکیه دعوت شده بود.

واقف حکیمی سخنگوی جمعیت اسلامی افغانستان و عبدالحفیظ منصور مدیر مسؤول هفته نامه‌ء پیام مجاهد و دکتر شمس الحق آریانفر و قاضی راحله سلیم نماینده‌ء مجلس نمایندگان و حیات الله بهروز خالقي و عماد الدین سراجی و محمود واثق اعضای این هیأت بودند.

واقف حکیمی رئیس هیأت گفت: دعوت رسمی هشت روز از ۲۳ فروری تا ۲ مارس را در برگرفت و در این مدت برنامه ها به گونه یی ترتیب شده بود که بسیار مفید و سودمند واقع شد.

او افزود: ما عصر روز جمعه ۲۳ فروری به آنکارا رسیدیم فردای آن از موزه‌ء اتاتورک دیدار کردیم و روز بعد به قونیه شهر مولانای بلخ رفتیم و در پنج روز دیگر به گونه‌ء بسیار فشرده برنامه های علمی داشتیم. هیأت در روز ۲۶ فروری از مرکز حزب عدالت و توسعه حزب بر سر اقتدار کنونی ترکیه دیدار کرد. معاون حزب عدالت و توسعه با اعضای رهبری امور انتخابات حزب میزبان هیأت بود. این دیدار چندین ساعت به طول انجامید و مباحث انتخابات و تجربه های حزب عدالت و توسعه از سوی معاون حزب توضیح داده شد.

روز بعد برنامه یی در دانشگاه آنکارا ترتیب شده بود در دانشکده‌ء علوم سیاسی که چندین تن از استادان این دانشکده برای هیأت درباره‌ء شیوه‌ء انتخابات و نظام دموکراسی و ایدئولوژی های سیاسی و نظام های سیاسی سخنرانی کردند.

در روز ۲۸ فروری هیأت میهمان انستیتوی مدیریت عامه‌ء خاورمیانه و جمهوری ترکیه بود. در این جا نیز از سوی دو تن از استادان نظام انتخابات در ترکیه و نظام های دموکراسی تدریس شد.

در روز ۲۹ فروری دیدار از مرکز حزب جمهوری خلق ترکیه حزب مخالف حکومت کنونی صورت گرفت. حزب جمهوری خلق ترکیه دومین حزب مهم و مقتدر پس از حزب عدالت و توسعه قرار می گیرد و عصر همین روز از دادگاه قانون اساسی دیدار صورت گرفت که اعضای دارالانشای این دادگاه میزبان هیأت بودند. میزبانان هیأت درباره‌ء وظایف دادگاه قانون اساسی از جمله نقش آن در نظارت بر روند انتخابات و مسائل مربوط به آن توضیحات دادند و هیأت را با بخش هایی از این مؤسسه آشنا ساختند.

روز ۲ مارس از طرف صبح تا چاشت هیأت میهمان وزارت خارجه‌ء ترکیه بود و پس از ظهر از شورای عالی انتخابات دیدار کرد و دو تن از مسؤولان این شوری رئیس و معاون آن ادامه در ص۸

ای آن که به تدبیر تو گردد ایام
وی آن که به دست توست احوال جهان
ای دیده و دل ا زتو دگرگون مدام
حکمی فرما که گردد ایام به کام

جمعیت اسلامی افغانستان و دست اندرکاران مجاهد فرا رسیدن سال ۱۳۸۶ خورشیدی را به کافه‌ء ملت افغانستان شادباش می گویند

آدرس جدید
مجاهد در اینترنت
Website: www.mujahidweekly.com
Email Address: mujahid۱۳۵۷@yahoo.com

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر

آدرس : کابل- چهار راهی زنبق ـ هتل و رستورانت زنبق طلائی
صندوق پستی : ۲۲۶
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahid۱۳۵۷.com
E-mail: Mujahid۱۳۵۷@Yahoo. com

سرمقاله

گامی به پیش و نگاهی به پس

ما اکنون در واپسین روز سال ۸۵ خورشیدی قرار داریم روزی که میان سال پار و سال نو واقع شده است.

در این جا بسیار می سزد که پیش از گام نهادن بر ساحت سال نو و نگاه به چشم اندازهای آن ـ که خدایش میمون دارد ـ نگاهی به پس بیفگنیم؛ زیرا که بنای سال نو بر بنای سال پار نهاده می شود.

با سپری شدن سال ۸۵ خورشیدی پنج سال و اندی از عمر نظام جدید طی می شود، نظامی که در پی فروپاشی رژیم طالبان و موافقت نامهء بن با توجه و حمایت جامعهء جهانی به وجود آمد و تا کنون مراحلی را در نوردیده است. در طی این مراحل که تصویب قانون اساسی و اجرای انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی و تشکیل نهادهای دولتی و... از مهمات آن به شمار می رود، قرار بود افغانستان در عرصه های گونه گون زندگی به سوی ثبات و استقرار گام بردارد، اما در پایان سال ۸۵ وقتی به عقب نگاه می کنیم می بینیم که متأسفانه افغانستان به این هدف های مطلوب چندان دست نیافته است؛ بازسازی در عرصه های متعدد بسیار کم رنگ به چشم می رسد و هرگز کاری انجام شده متناسب با کمک های صورت پذیرفته از سوی جامعهء جهانی نیست، نرخ بیکاری پیوسته رو به افزایش است، بازگشت مهاجران از کشورهای همسایه به وطن کاهش یافته بل برگشت به کشورهای همسایه بیشتر شده و سرمایه ها سر از نو راه به برون شدن در پیش گرفته است.

در زمینهء امنیت نیز وضعیت بهتر از زمینه های دیگر نبوده است، امسال به اعتراف فرماندهان نیروهای بین المللی در افغانستان شمار حملات انتحاری و ساحهء نفوذ و حضور و عملیات نیروهای مسلح مخالف دولت گسترده تر از سال پیشین بوده است.

در عرصهء مبارزه بر ضد مواد مخدر نه تنها دولت با موفقیتی همراه نبوده بلکه سطح تولید آن در سال ۸۵ نظر به سال گذشته گرافی بالا را پیموده است.

در عرصهء اعتماد سازی و وحدت ملی نیز دولت چندان موفقیتی نداشته است؛ زمینه سازی برای گسترش نمادهای بیگانه با روح فرهنگ و ارزش های مردم و جولان دادن به گروهی از برتری خواهان و سپردن مدیریت کشور به بسیاری از افرادی که با درد و رنج این مردم آشنا نبوده اند از مواردی است که سخت به وجههء دولت درمیان مردم آسیب رسانیده و روند اعتماد سازی درمیان لایه های جامعه و تأمین وحدت ملی را به چالش مواجه ساخته است.

این عدم موفقیت دولت در این زمینه ها بالتبع عدم موفقیت جامعهء جهانی را نیز به دنبال دارد. چون دولت در دید مردم به گونه یی به عنوان نماد حمایت جامعهء جهانی عمل می کند.

هم دولت و هم جامعهء جهانی برای دست یافتن به موفقیت به بازنگری جدی در برنامه ها و کارنامه های خویش نیاز دارند. باید برنامه ها را به گونه یی طرح و عملی کرد که افغانستان را در رسیدن به اهداف اعلام شده برایش از سوی جامعهء جهانی، ثبات و امنیت و بازسازی و توسعه، یاری رساند و آن را در ایستادن بر سر پای های خودش کمک کند. این کاری است که دولت و جامعهء جهانی به تنهایی نمی توانند از عهدهء آن به در آیند، بلکه باید به گونهء واقعی برای مشارکت عملی مردم در رقم زدن به سرنوشت کشورشان زمینه مهیا شود و خواست و ارادهء مردم بی دستکاری مورد توجه قرار گیرد.

در کنار پارلمان تشکیل یک جبههء ملی از احزاب و گروه ها و شخصیت های ملی می تواند دولت را در به سر رسانیدن این مهمات دست بگیرد؛ جبهه یی متحد که قرار است در آیندهء نزدیک اعلام شود امید می رود بتواند این نقش سازنده را در به ثمر رسانیدن برنامه های ناتمام و دست یافتن به هدف های به دست نیامده بازی کند.

جایگاه قیام ۲۴ حوت هرات در جهاد افغانستان

عبدالمعین شاهد

کودتای هفت ثور درسال ۱۳۵۷ توسط حزب دموکراتیک خلق که از حمایت اتحاد شوروی برخوردار بود، سرآغاز خونین ترین فصل درتاریخ کشورما بود. کودتاچیان با برقراری یک رژیم سرکوبگر و استبدادی، همهء آزادی های مردم را سلب نموده و ده ها هزار انسان بی گناه را زندانی ساختند و این زندانیان بی گناه را گروه گروه و بدون محاکمه سر به نیست نمودند، اعضای حزب خلق و ملیشای چماق به دست آن با اعدام های خودسرانه شمار زیاد هموطنان بی گناه را به قتل رساندند. خلقی ها با اقدامات ناسنجیده، عاری ازعقلانیت، باسراسیمگی، ناشیانگی و با زیر پا گذاشتن ارزشهای دینی، اخلاقی و فرهنگی، جامعهء ما را به سوی بحران بردند. مردم مسلمان افغانستان این اقدامات و سیاستهای جنایتکارانه و غیرمسؤولانه را نپذیرفتند و در برابر آن به پا خاستند. مهمترین این قیامها قیام مردم مسلمان هرات در ۲۴ حوت ۱۳۵۷ بود، در این روز ده ها هزارشهروند شجاع هرات با سردادن نداهای تکبیر در خیابان های این شهر به راه افتیدند و صدای اعتراض خود را علیه دژخیمان کمونیست با صدای رسا فریاد نمودند، موکب شکوهمند و حماسه آفرین قیام گران، جاده ها و کوچه های شهر را پرکرده بود وطنین ملکوتی آنها با غرش تانک ها و هواپیماها درهم می آمیخت. جلادان خون آشام به جان مردم بی دفاع افتیده بودند، هزاران انسان به خاک وخون غلتیدند، اما یاران آنها به پیش می رفتند. این دریای پرطلاطم مجاهدان، امواج خروشان انسانها، با ماشین جنگی دژخیمان دست و گریبان شده بود اما، جنایتکاران خلق و پرچم و تجاوزگران شوروی در ریختن خون انسان های این وطن تردیدی نداشتند و از زمین و هوا بر سر قیام گران شهادت طلب هرات آتش می افروختند. در این گیر و دار هزاران انسان جان خویش را از دست داد، شمار دقیق این شهیدان تا هنوز روشن نشده است، برخی بیست و چند هزار و برخی آن را سی و چند هزار گفتند، روحشان شاد و یادشان گرامی باد!

در این میان رشادت و ایثارگری های افسران و سربازان مؤمن مستقر در هرات که به صفوف قیام گران پیوستند و در این لحظهء حساس رسالت میهنی و دینی خویش را ادا نمودند قابل یادآوری و مایهء افتخار همه مجاهدان و مقاومت گران است، در رأس این گروه امیر محمد اسمعیل خان وزیر انرژی و آب کنونی افغانستان و شهید علاؤ الدین بودند که نام و یاد شان همیشه در خاطرهء انسان های این مرز و بوم باقی خواهد ماند.

قیام حوت در هرات حادثهء با اهمیتی بود که در روند مبارزات مجاهدین و وضعیت رژیم اثرات عمیقی به جا گذاشت، در این بحث به برداشت هایی از این قیام اشاره می نماییم.

رژیم کمونیستی خلقی ها که به علت جنایت های هولناک مورد نفرت مردم بود و پایه های متزلزل و سست داشت در نتیجه قیام هرات بیشتر متزلزل گردید. با کشتار وحشیانهء مردم در۲۴ حوت ۵۷ در هرات، از یک سو خشم و نفرت مردم افغانستان علیه خلقی ها و پرچمی ها شدت بیشتر یافت و از جانب دیگر امیدواری مردم برای پیروزی و شکست رژیم تقویت گردید. بعد از قیام هرات بود که مردم مسلمان افغانستان در گوشه و کنار کشور به پا خاستند و مناطق زیادی را از حاکمیت آنها آزاد نمودند. در حقیقت خشم و نفرتی که نسبت به رفتارهای ظالمانه و احمقانه کمونیست ها به میان آمده بود، نیاز به یک جرقه داشت، قیام هرات این جرقه را ایجاد نموده بود. این قیام، هرات را در جایگاه خاصی در عرصهء جهاد و مقاومت علیه اشغالگران قرارداد. یکی از علت های عمده که در زمان جهاد و بعد از آن هرات در حوزهء جنوب و غرب افغانستان نقش محوری و رهبری کننده پیدا نمود، همین قیام بود.

قیام هرات در حوت ۱۳۵۷سرکردگان رژیم غیر مردمی خلقی ها را به صورت بی سابقه دست و پاچه نمود، تقاضاهای التماس آمیزی که تره کی به مقامات کرملین داشته است. بیانگر این حقیقت است، تره کی در یک صحبت تلفنی با کاسگین صدراعظم اتحاد شوروی، که همزمان باقیام ۲۴حوت در هرات و جهت استمداد از باداران خویش در سرکوبی

> **در قیام هرات می توان نمونهء واقعی وحدت ملی را مشاهده نمود، در این قیام، همه اقوام و تمام لایه های جامعه در پهلوی هم قرار گرفتند، درنتیجهء این وحدت بود که بر نیروهای تا دندان مسلح پیروز شدند**

قیامگران انجام داد، درماندگی رژیم خود را با وی درمیان گذاشت، در این صحبت تره کی به کاسگین می گوید؛ امشب یا فردا هرات سقوط خواهد کرد ... آنها با تشکیل واحدهای جدید به سوی قندهار حرکت خواهند کرد. وقتی کاسگین می پرسد، شما هیچ نیرویی برای شکست دادن آنها ندارید، با روحیهء شکست خورده و نومیدانه می گوید کاش می داشتیم! تره کی از کاسگین تقاضا می کند به رژیم مزدور وی کمک های عاجل و عملی صورت گیرد. کاسگین در این مورد اظهار تردید می نماید، تره کی در جواب می گوید، وضع بسیار خطرناک است، شورشیان پس از هرات به سوی قندهار حرکت می کنند و از آن جا به سوی کابل خواهند آمد ... اگر شما حالا به هرات ضربه وارد کنید ممکن است انقلاب نجات پیدا کند. کاسگین پی آمدهای بین المللی این اقدام شوروی را یاد آوری می نماید. تره کی می گوید، التماس می کنم کمک کنید!

اگر رهبران خودکامه و ناعاقبت اندیش

> **ادامهء حاکمیت یک ساختار سیاسی مستلزم جلب حمایت و اعتماد مردم است، مستلزم ایجاد فضایی است که مشارکت ملی تأمین گردد و منافع مردم فراهم شود. هیچ نیرو و گروهی بدون اعتماد بر باور مردم، نمی تواند با تکیه بر زور و توان نظامی و یا حمایت خارجی، بر مردم حکومت کند**

شوروی به این التماس ها توجه نشان نمی دادند و اقدام به سرکوب وحشیانهء مردم به پا خاستهء هرات نمی کردند، رژیم سقوط می کرد، با سقوط آنها جلو جنایات بیشتر خلقی ها گرفته می شد و مردم ما از بسیار ی حوادثی که بعداً اتفاق افتاد در امان می ماندند و از جانب دیگر، اتحاد شوروی یقیناً عمر بیشتر از این می داشت.

قیام ۲۴ حوت در هرات و برخورد وحشیانهء خلقی ها، ددمنشی و خونخواری رژیم را به نمایش گذاشت. در حوت ۱۳۷۵، قیام مردم هرات به شکل راهپیمایی و اعتراض مردمی صورت گرفت و قیام گران با دست خالی و غیرمسلح با صداهای تکبیر به راه افتیدند اما، نیروهای رژیم که با توپ و تانک و هواپیما مسلح بودند، و با کار برد وحشیانهء زور به سرکوب اعتراض کنندگان پرداختند، بر اثر این واکنش شدید، هزاران انسان به خاک و خون افتید، کمونیست های خلقی جز سرکوب و کشتارمردم به چیزی دیگری نمی توانستند بیندیشند. در نتیجه چنین جنایت ها، که اثرات دراز مدتی به جا گذاشت، خشونت درکشور ما به یک رفتار معمول تبدیل شد.

قیام ۲۴ حوت در هرات برای نخستین بار این سؤال را در برابر رهبران شوروی قرارداد، که رژیم کمونیستی خلق تا چه سطحی از پشتیبانی مردم مخصوصاً قشر زحمتکشان افغانستان که این همه حمایت آنها را دعوا داشتند، بهره مند هستند، و آیا این رژیم می تواند در برابر مقاومت های مردمی پایداری نماید؟ به زودی پاسخ این سؤالات از زبان تره کی در صحبتی با کاسگین تخست وزیر اتحاد شوروی فاش شد. واقعیت آن بود که این رژیم حتی درمیان زحمتکشان به عنوان یک دستگاه منفور شناخته می شد. دهقانان گرسنه که از طرف رژیم زمین رایگان به دست آورده بودند. با پاره کردن این اسناد به صفوف قیام کنندگان پیوستند.

کاسگین از تره کی می پرسد، آیا آنها نمی توانند ۵۰۰۰۰ نفر از طرفداران رژیم خلقی را جهت مقابله با قیام هرات بسیج نمایند. می گوید ما تنها می توانیم تعدادی شاگرد مکتب را بسیج نماییم، اما آموزش آنها زمان می خواهد. این سخن تره کی نیز عاری از حقیقت بود. با وجود آن که رهبران شوروی دریافتند، رژیم دست نشاندهء آنها قادر به ادامهء حاکمیت مستبدانهء خویش نیست، دست ازحمایت آنها بر نداشتند و حتا اقدام به تجاوز بر افغانستان نمودند، دلایلی زیادی دارد که جای پرداختن آن این بحث نیست، اما طوری که اکنون دانسته می شود، اشغال افغانستان تصمیم دشوار برای رهبران اتحاد شوروی بوده است، رهبران شوروی علی رغم فرستادن جنگ افزار های پیشرفته، تکنیسینان و مشاوران نظامی به کابل، فرستادن قوا به افغانستان را به ضرر منافع خویش و باعث وخامت اوضاع بین المللی می دانستند. اما بالآخره به صورت عجولانه و ناسنجیده تصمیم اشغال افغاستان گرفته شد، این تصمیم هم برای افغانستان و هم برای اتحاد شوروی، هزینهء سنگینی داشت، مقاومت و جهاد در افغانستان به زخم ناسور برای اتحاد شوروی تبدیل شد و با آن که خود را از افغانستان کنار کشید اما نتوانست از آن زخم ها جان سالم به در برد.

در قیام هرات می توان نمونهء واقعی وحدت ملی را مشاهده نمود، در این قیام، همه اقوام و تمام لایه های جامعه در پهلوی هم قرار گرفتند، درنتیجهء این وحدت بود که بر نیروهای تا دندان مسلح پیروز شدند. با توجه به نقش همگرایی و یکپارچگی جامعه در پیروزی جنبش هاست که ایجاد چند دستگی و اختلاف در استراتژی دشمن اهمیت اساسی پیدا می کند و با توجه به تجربهء مردم افغانستان در این زمینه، درک این حقیقت برای آن ها آسان است.

درس دیگری که از قیام هرات می توان آموخت این است که ادامهء حاکمیت یک ساختار سیاسی مستلزم جلب حمایت و اعتماد مردم است، مستلزم ایجاد فضایی است که مشارکت ملی تأمین گردد و منافع مردم فراهم شود. هیچ نیرو و گروهی بدون اعتماد بر باور مردم، نمی تواند با تکیه بر زور و توان نظامی و یا حمایت خارجی، بر مردم حکومت کند. گرایش به ایدئولوژی ها و ارزشهای فرهنگی وارداتی و رفتارهای گروه محورانه که خلقی ها و پرچمی ها به آن وفادار بودند، در رأس اشتباهات بزرگ آنها قرارداشت. جا دارد که این تجربه های ناکام که توسط یک گروه خاصی انجام یافت اما، هزینهء سنگین آن را مردم افغانستان پرداختند، مورد ارزیابی قرار داده شود تا از تکرار آن جلوگیری گردد.

نیم نگاهی به سالی که گذشت

وحید مژده

سال ۱۳۸۵ را پشت سر نهادیم و از سال جدید با امیدهای جدید استقبال می کنیم. امید این که سال جدید سالی به مراتب بهتر از سال پار باشد اما از همین آغاز باید این نکته را به خاطر داشته باشیم که سال گذشته نیز با همین امید و آرزو آغاز شده بود.

از آغاز سال گذشته بزرگترین نگرانی مردم ما وضع نابسامان امنیتی در کشور بود. طالبان با سازمان دهی مجدد، توانستند در مناطق جنوب و جنوب غرب کشور مناطق وسیعی را آماج حملات خویش قرار دهند. دولت افغانستان بارها پاکستان را به حمایت از طالبان متهم کرد اما جامعهء جهانی به این مسأله توجه جدی نداشت.

ناتو در سال گذشته درگیری های سختی با طالبان درجنوب داشت و این در گیری ها به تدریج کشور های اروپایی عضو ناتو را به این نکته متوجه ساخت که بدون توجه به مداخلات پاکستان نمی توان در جنگ با طالبان پیروز گردید. به این ترتیب پاکستان تحت فشار های فزاینده قرار گرفت و در نتیجه، روابط میان افغانستان و پاکستان نیز تیره تر از قبل شد. پاکستان مسألهء کشیدن سیم خاردار در مرز را مطرح کرد که به مخالفت افغانستان مواجه شد.

سفر های زعمای دو کشور افغانستان و پاکستان به کشور های همدیگر، گره گشای این مشکل نبود. برعکس به بدتر شدن روابط انجامید. امریکا که از چنین وضع راضی نبود، در مذاکرات سه جانبه میان روسای جمهور افغانستان، پاکستان و ایالات متحدهء امریکا، با وساطت بوش، مشرف و کرزی توافق کردند تا با همدیگر در بهبود مناسبات همکاری کنند. یک بستر برای این همکاری می توانست جرگهء امن متشکل از سران اقوام در دو سوی دیورند باشد اما از همان آغاز در مورد برگزاری این جرگه و این که تا چه حد در تحقق هدفی که به خاطرش تشکیل خواهد شد، شک و تردید ابراز گردید. پاکستان طرح کشیدن سیم خاردار در مرز را در بعضی از مناطق عملی نمود و افغانستان هم که متوجه شد که در مخالفت خود در برابر این اقدام پاکستان تنهاست، به مخالفت لفظی اکتفا کرد.

نگرانی اعضای اروپایی ناتو از سیاست های پاکستان در منطقه هم موجب گردیده است که آنان در مورد موفقیت مأموریت ناتو در افغانستان شک کنند. درحالی که بعضی از کشور های اروپایی در طول یک سال گذشته، پاکستان را در ازدیاد عملیات نظامی طالبان درافغانستان دارای نقش واثر می دانند، امریکا و انگلیس از همکاری پاکستان در امر مبارزه با هراس افگنی تقدیر کردند. بعضی از روزنامه های اروپایی به این نکته اشاره داشتند که امریکا می خواهد تا از ناتو به عنوان یک ژاندارم بین المللی به خاطر دسترسی به منافع خود استفاده نماید.

وظیفهء ناتو این نیست که در کشوری به نفع یک طرف درگیر با جانب دیگر بجنگد بلکه وظیفه دارد تا درتأمین صلح وامنیت همکاری نماید اما مأموریت افغانستان برای ناتو یک تجربهء جدید است. ناتو در نخستین تجربهء خویش در بیرون از مرز های اروپا، به نفع دولت مرکزی افغانستان با طالبان درگیر جنگ است. این مسأله خود موجب یک اختلاف پنهان میان اعضای این پیمان شده است که ما نمونهء آن را در بی میلی بعضی از کشورهای اروپایی عضو ناتو برای اعزام نیرو به جنوب افغانستان دیدیم.

در کنفرانس اعضای ناتو در ریگا روی این مسأله تاکید صورت گرفت که ناتو در ضمن جنگ باید وظیفهء بازسازی را نیز انجام دهد. اما بعضی از کشور های عضو این سازمان در ریگا، این وظیفه را که نیروی ناتو در عین زمان که می جنگد باید به بازسازی در افغانستان هم بپردازد، دشوار و حتی ناممکن تلقی کردند و گفتند که ناتو همه کاره نیست بلکه وظایف مشخصی دارد که باید در همان محدوده عمل کند. این طرز برداشت موافق به نظر آلمان بود که نیروهایش دُر شمال افغانستان به امر بازسازی کمک می کند و خود را از عملیات نظامی در جنوب کنار کشیده است. امریکا در قندهار، انگلستان در هلمند و کانادا در ارزگان نیروهای مسلح در حال زرم دارند اما آنان از این که مجبورند بخش بزرگی از بار جنگ را به دوش بکشند، ناراضی اند.

ناتو در افغانستان برنامهء مشخصی ندارد. این مسأله از سخنان ضد ونقیض فرماندهان ناتو در طول یکسال گذشته به خوبی هویدا شد که گاهی از شکست طالبان در شش ماه و گاهی در ده سال سخن گفتند و در اجلاس های ریگا و بروکسل در سال گذشته نیز این بی برنامه گی به مشاهده رسید.

اما به نظر می رسد که میان اهداف امریکا و ناتو هماهنگی وجود ندارد. در کنفرانس بروکسل که در سال گذشته برگزار شد، کاندالیزارایس وزیر خارجهء امریکا کمک ده میلیارد و ششصد میلیون دلار را به

ناتو در سال گذشته درگیری های سختی با طالبان درجنوب داشت و این در گیری ها به تدریج کشور های اروپایی عضو ناتو را به این نکته متوجه ساخت که بدون توجه به مداخلات پاکستان نمی توان در جنگ با طالبان پیروز گردید. به این ترتیب پاکستان تحت فشار های فزاینده قرار گرفت و در نتیجه، روابط میان افغانستان و پاکستان نیز تیره تر از قبل شد.

افغانستان اعلام نمود که از آن جمله هشت میلیارد و ششصد میلیون دلار کمک نظامی و یک میلیارد دلار کمک به بازسازی افغانستان خواهد بود. این در حالی است که ناتو مسألهء بازسازی و بهبود وضع اقتصادی مردم افغانستان را بیش از عملیات نظامی در تأمین امنیت مهم و حیاتی می داند.

اما این کمک ایالات متحدهء امریکا می تواند در امر بازسازی اردوی ملی مؤثر باشد. در حالی که در طول پنج سال گذشته بارها از به میان آمدن اردوی ملی با هفتاد هزار سرباز سخن در میان بود اما در عمل کمیت این اردو بسیار کمتر از این تعداد بوده

به صورت خلاصه می توان گفت که دولت در سال گذشته نیز دست آورد های قابل توجه و قابل ذکری که بتواند در زندگی مردم کشور تأثیر مثبت از خود برجا بگذارد نداشت اما سال جدید را بازهم با این امید آغاز می کنیم که سال نو بهتر ازسال پار باشد

است. مقامات وزارت دفاع کشور به صراحت گفتند که در طول پنج سال گذشته جامعهء جهانی توجه اندکی به امر بازسازی اردوی ملی داشته است.

سخن (پاول لوکر) یکی از فرماندهان پیشین نظامی ناتو بیشتر از همه نقش ناتو را در افغانستان روشن می سازد. وی در آستانهء اجلاس سران ناتو در ریگا گفت:

وظیفهء ما این است که برای دولت افغانستان وقت کمایی کنیم تا این دولت بتواند به سوی صلح گام بردارد زیرا این مشکل از راه جنگ قابل حل نیست.

البته منظور این فرمانده ناتو از وقت کمایی کردن برای دولت افغانستان، فقط این نبود که سعی نماید تا فرصتی به دست آورد تا مخالفان را تطمیع و یا قانع نماید که به پروسهء صلح بپیوندند. این دولت برای دسترسی به صلح، درقدم اول نیازمند وارد آوردن اصلاح در ساختار های داخلی خودش است. مسألهء فساد در ارگان های دولتی مسأله یی نیست که از دید کشور های خارجی که به افغانستان در امر بازسازی کمک می کنند مخفی مانده باشد. بنابراین مبارزه با فساد باید به عنوان بخشی مهم از پروسهء ساختن صلح در این کشور مدنظر باشد. کاری که در سال گذشته در داد وفریاد هایی که اقدامات لوی سارنوال کشور برانگیخت، خلاصه شد.

اصلاحات و مبارزه با فساد در کشور نیازمند اقدامات بنیادی و مبارزهء جدی با این پدیدهء خطرناک و امنیت سوز به شکل ریشه یی است. تا زمانی که ریشه های فساد به قوت و قدرت خود باقی است، قطع شاخه های ضعیف گره از مشکل نخواهد گشود.

مسألهء مهم دیگر که به تروریسم ونا امنی در افغانستان رابطه دارد، موضوع کشت کوکنار در کشور است. سال گذشته بازهم افغانستان در این حوزه ریکارد شکن بود و تولید مواد مخدر در افغانستان سیر صعودی را نشان داد.

دولت یک دلیل این ازدیاد را ناشی از ناامنی ها در جنوب کشور و بخصوص ولایت هلمند می داند. اما بسیاری به این باورند که نبود یک استراتژی کارآ در جهت مبارزه با این پدیدهء مرگبار، موجب ازدیاد تولید آن شده است.

این مسأله نه تنها به وجههء دولت افغانستان در سطح جهانی ضربه وارد می آورد بلکه نقش نیروهای خارجی را که در این مناطق حضور گسترده دارند نیز زیر سؤال می برد. در حالی که بخش اعظم از نیروهای خارجی در همین مناطق مستقرند، چرا اقدامات آنان در کار مبارزه با کشت کوکنار ناکام است؟ دولت در سال گذشته در جنوب به امحای کشت کوکنار در مناطقی دست زد که در آن جا حاکمیت داشت. اما در آن ولسوالی ها که تحت کنترل مخالفان بود، این کار عملی نشد. بدون شک این مسأله می تواند در سال جاری موجب تشویق دهقانان برای پیوستن به طالبان در ولسوالی هایی گردد که تا کنون تحت کنترل دولت بوده است که این خود به معنی گسترش ناامنی های بیشتر در جنوب است.

وادار کردن دهقان به دست برداشتن از کشت کوکنار از راه زور نه ممکن است و نه نتیجهء مطلوب از آن به دست می آید. اگر معادل پنج درصد از مجموع مصارف نظامی که در جنوب صورت می گیرد برای کمک به دهقانان اختصاص یابد، در مبارزه با کشت کوکنار تأثیر بسیار مثبت خواهد داشت و در تامین امنیت نیز بیشتر از مصارف گزاف نظامی مؤثر خواهد بود.

هرچند در آخرین ماه ها از سال گذشته، فرماندهان ناتو اعلام داشتند که در تاکتیک های رزمی خود تغییر وارد خواهند آورد و بیشتر رهبران طالبان والقاعده را هدف قرار خواهند داد اما در عمل، جز در یکی دو مورد، مردم به خصوص در جنوب، تغییر عمده یی را در تاکتیک های رزمی ناتو مشاهده نکردند. در سال گذشته نیز عملیات نظامی نیروهای خارجی در کشور، جان هزاران شهروند بی دفاع این کشور را گرفت. واقعهء ۸ جوزای سال گذشته نمایش واضح از خودسری های نیروهای خارجی بود که حتی در تغییر ذهنیت سرمایه گذاری بخش خصوصی نیز سخت موثر ثابت شد. از آن به بعد، به اعتراف دست اندرکاران در این بخش، سرمایه گذاری ها کاهش یافت و موجب دلسردی سرمایه گذاران گردید.

باز سازی زیرساخت های اقتصادی و تغییر مثبت در وضع اقتصادی مردم، مسألهء مهمی است که بار ها از آن به عنوان اساس صلح و امنیت در کشور نام برده شده است اما سال گذشته نیز این روند به کندی سال های پار بود و تغییر محسوسی در وضع رونما نشد. رشد بیکاری در کشور در سال گذشته، در صف های طویل متقاضیان ویزای سفر در جلوی سفارت های کشور های همسایه به شکل روشن منعکس بود.

به صورت خلاصه می توان گفت که دولت در سال گذشته نیز دست آورد های قابل توجه و قابل ذکری که بتواند در زندگی مردم کشور تأثیر مثبت از خود برجا بگذارد نداشت اما سال جدید را بازهم با این امید آغاز می کنیم که سال نو بهتر ازسال پار باشد و در سال آینده وقتی قلم به دست می گیریم تا دست آورد های سال روان را به ارزیابی بگیریم، به تکرار جملات بالا مجبور نباشیم. اما... آیا این امید تحقق خواهد یافت؟

مصوبهء شورای ملی

در مورد مصالحهء ملی و عفو عمومی

کابل ۱۹ حوت

از آنجایی که جهاد، مقاومت و مبارزات بر حق مردم در راه دفاع از دین و وطن فرازهای شکوهمند تاریخ کشور بوده و از افتخارات بارز ملی ما محسوب می شود و از جانب دیگر تحقق مشی مصالحهء ملی قطع جنگ و خونریزی تحکیم وحدت ملی و ایجاد زمینه های اعتماد بین همه اقشار جامعه در این مقطع زمانی یک امر ضروری پنداشته می شود بناً به منظور تحقق آن مراتب ذیل تصویب می گردد:

مادهء اول:

این مصوبه به منظور تحکیم مصالحه و ثبات ملی تأمین مصالح علیای کشور ختم خصومت ها و ایجاد اطمینان برای همه طرف های درگیر مبنی بر مصؤونت آنان در صورت پابندی به قانون اساسی و قوانین نافذهء کشور وضع گردیده است.

مادهء دوم:

شورای ملی افغانستان به منظور تقویهء صلح و ثبات و ختم جنگ از تمام گروه های مسلح مخالف دولت جمهوری اسلامی افغانستان دعوت به عمل می آورد تا به پروسهء تحکیم ثبات و مصالحهء ملی افغانستان بپیوندند و در تحکیم نظام و بازسازی کشور سهیم شوند.

مادهء سوم:

(۱) تمامی جناح های سیاسی و طرف های متخاصم که قبل از ایجاد ادارهء موقت به نحوی از انحا با هم در گیر بوده اند به منظور آشتی بین اقشار مختلف جامعه تحکیم صلح و ثبات و آغاز زندگی نوین در تاریخ سیاسی معاصر افغانستان مشمول برنامهء مصالحهء ملی و عفوعمومی بوده از تمام حقوق قانونی خویش مستفید بوده، مورد تعقیب عدلی و قضایی قرار نمی گیرند.

(۲) آنعده اشخاص و گروه هایی که تا هنوز در مخالفت مسلحانه با جمهوری اسلامی افغانستان قرار داشته و بعد از انفاذ این مصوبه دست از مخالفت کشیده به روند مصالحه ملی بپیوندند و به قانون اساسی وسایر قوانین جمهوری اسلامی افغانستان احترام گذاشته، آن را رعایت نمایند از مزایای این مصوبه مستفید می گردند.

(۳) احکام مندرج فقره های (۱ و ۲) این ماده دعوی حق العبدی و جزایی اشخاص علیه اشخاص را، در مورد جرایم فردی اخلال نمی نماید.

مادهء چهارم:

(۱) اشخاصی که به اثر ارتکاب جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، تحت تعقیب عدلی قرار داشته باشند، از مزایای این مصوبه مستفید شده نمی توانند.

(۲) اشخاصی که محاکم به اثر ارتکاب جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، به الزام آنها حکم نموده باشند به اساس پیشنهاد کمیسیون تحکیم صلح در صورت تعهد اشخاص متذکره مبنی بر عدم تجدید فعالیت های ضد دولت جمهوری اسلامی افغانستان و تضمین آن کمیسیون در زمینهء حسب احول طی فرامین جداگانه مورد عفو و یا تخفیف مجازات قرار می گیرند.

مادهء پنجم:

برای کمک به ختم خشونت ها و بی اعتمادی بین دولت و جناح های مخالف مسلح و تحکیم ثبات و مصالحهء ملی کمیسیون فوق العاده از طرف شورای ملی تعیین می گردد تا در همکاری با کمیسیون تحکیم صلح زمینهء پیوستن آنها را به پروسهء تحکیم ثبات و مصالحهء ملی مساعد گرداند.

مادهء ششم:

این مصوبه از تاریخ توشیح نافذ بوده در جریدهء رسمی نشر گردد.

ناله یی به پیشواز بهار

وطن آیا خبرداری

عبدالاحد تارشی

بهـــار دیگری آمد وطـــن آیا خبر داری
بهشتی می دمد از هرچمن آیا خبر داری
نیاساید فلک از عشق خاک از گریهء پیهم
ز مین گردد ســراپا گلبدن آیا خبر داری
ز تار عطر و پود رنگ بهر قامت کهسار
زمان بافد نگارین پیرهن آیا خبر داری
درختان غوطه ور گردند در دریای زیبایی
بسان مهوشان سیمتن آیا خبر داری
زنی های شبانان آبشار نغمه خواهد ریخت
شبانگه در دل دشت ودمن آیا خبر داری
روان رقص گردد در تن آب روان جاری
چو رقص دلبران در انجمن آیا خبر داری
چرد آهوی شعر شاعران در گلزمین شوق
کند گل نوبهاران سخن آیا خبر داری
خبرداری ازینها یاکه همچون سالیان پار
به خون خویش می غلطی نداری با بهاران کار

***

نفسهای بهار آیا به گلزارت گذر دارد
نسیم آیا زحال باغ مجروحت خبر دارد
طبیعت گر کشوده چشم سبز خویش بر دنیا
به دنیای خزان پرورده ات آیا نظر دارد
به دامان بهاران تا پرد آزاد وفارغ بال
پرستوی توآیا این چنین یک بال وپر دارد
غزالت با خرام ناز اگر تمرین طنازی
کند، آیا زکفتاران تهی کوه وکمر دارد
شفا بخش است اگر داروی باران درد بستان را
مگر بر درد تو ای دردمند من اثر دارد
ازان تا سربرآردآفتاب گرم آزادی
شب تاریک تو آیا گریبان سحر دارد
بپرس از مدعی کو لاف گلکاری به باغت زد
که در سر جز خیال قطع ودرکف جز تبر دارد
چراغ لاله را خواهد فروزد اندرین گلشن
ویا از خون تو سازد چراغ خویش را روشن

***

"وطن آمد بهار اما نبینم گل به دامانت" (۱)
بمیرم من به این وضع غم انگیز پریشانت
میان آتش وخونی چه در سرما چه در گرما
بهارانت ندارد فرق از فصل زمستانت
گهی از خصم بیرونی گریبانت شود خونین
گهی افتد زفرزند خودت آتش به دامانت
یکی سر می برد سرو ترا بر نطع خاکستر
یکی با شعله سازد آبیاری باغ وبستانت
پی دفن بهارت هرکسی قبری کند جایی
زگلشن های پرپرگشته تا کوه وبیابانت
نه تنها ابر نیسانت بود سرچشمهء ماتم
که خیزد شعله غم نیز از خورشید تابانت
ترا درس مسلمانی دهد آن اهرمن کورا
بت از پهلو گرفتی آشنا کردی به قرآنت
خزانکاران به مرگ باغبانت زرد می خندند
به هرباری که می پیچی بخود از درد می خندند

***

وطن درموسم گل لالهء خونبار را مانی
دل آغشته در خون سینهء افگار را مانی
ستاده دورش از خار مغیلان تا فلک دیوار
فتاده زیر پای مهرگان گلزار را مانی
فغان کودک بی سرپرست مانده تنها را
سرشک مادر غمدیدهء بیمار را مانی
به جنگل هر طرف درنده یی بگرفته راهش را
چنین آهوی از پاماندهء ناچار را مانی
هزاران آفتاب ازسینه ات سرزد مگر اینک
درین عصر سیهکاری شبان تار را مانی
دروغ است اینکه می گویند امسالت بود بهتر
که زخم کهنهء درد آشنای پار را مانی
در ودیوار تو باز ست بهر رهزنان لیکن
سر راه نجات خویشتن دیوار را مانی
که بگرفت از لب خورشید تو لبخند تابش را
که وارون کرد درذهن گلت معنای رویش را

***

وطن عهد گل افشان گشتنت آخر چرا سر شد
گل پیوند تو با نوبهاران ازچه پرپرشد
که تخم آتش اندر گلزمین چار فصلت کاشت
که دشت صبح وشامت پر زخرمن خرمن آذر شد
چه خونین داستان داری که هرکس جمله یی بنوشت
ازان در دفترش، سرتاسر دفتربخون ترشد
زداغت خامه یی تا چامه یی انشا نمودن خواست
سراپا واژه هایش داغ دل گردید واخگرشد
هرآن گرگی که دیدت ناتوان استاده شد در صف
چوآن یک راه خود بگرفت این یک حمله آورشد
توبودی بستر صدها تمدن در دل تاریخ
دریغا دامن پاکت به جهل وفقر بسترشد
پیاپی باد نفرین بهار آن سبزه را درپی
که از دامان تو روئید وبر ضد تو خنجر شد
وطن ای مادر زخمی چه بی دردند اولادت
که می سوزند بنیادت که می سازند بربادت

***

وطن درخواب سنگین رفتی وگویند بیداری
برایت جشن بهبودی بپا دارند وبیماری
خرابت بیشتر بنموده می گویند آبادی
به زخمت زخمها افزوده می گویند گلزاری
متاع خود به زور اسلحه بنهاده در دستت
نمایند ادعا گویا که از جانش خریداری
اگر شد خانه ها ویران ودرخون خفت ابنایت
نباشد باک چون نرخش بود کمتر زیک "ساری"(۲)
به هرغارتگر از خارج به هرسوداگر از داخل
چه جان پرور چراگاهی چه خاطرخواه بازاری
" ترور" " انتی ترور" این بازی ناپاک وخونین را
تو می دانی تو قربانی ازان هرچند بیزاری
تنت زخمی رهت پر دیو و دد مقصود ناپیدا
به دوش سرنوشت جانگداز خویشتن باری
وطن ای خسته ای درمانده ای مسکین خدا یارت
بشوید گرد آزارت سرشک ابر آزارت

۱- ایـن مـصرع از اسـتاد استادان سـخن معاصـر حضرت خلیلی مرحوم است.

۲- ســاری در انگلیـسی بمعنـی " ببخـشید " مـی باشـد و اشـاره اسـت باینکـه عـساکر خـارجی در افغانـستان ، در هنگـام کـشتار غیرنظامیـان توسـط ایشان که بسیار اتفاق می افتد ،گـاهی بـا گفتن اینکـه اشتباه کرده اند ، خـون ده هـا انـسان را زیرپـامی کننـد ویـک SORRY خـشک وخـالی مـی گوینـد وزمـانی حتی ازگفتن این کلمه نیز خودداری می ورزند!

سیری در قلمرو ادب حماسی

عیدملت مظلوم افغانستان در آئینهءشعر جهاد و مقاومت

بخش چهارم

عبدالقیوم ملکزاد

عبـدالحی شـبگیر، یکـی ازشـعرای شـور انگیـز جهاد ومقاومـت اسـت، کـه درد و سـوز سـینهء او، از بـدبختی هـای حـاکم در زاد بـومش و انـدوه و آلام مردم مظلومش مایه دارد.

شـبگیر، در شـعری چهـرهٔ عیـد را از آنـرو خـونین ترسیم مـی کنـد، کـه بـادلی آگنـده از غـم و چـشمانی مملـوازنم مـی نگـرد ، کـه کـوه ودشـت و دامـان سـرزمینش بـایورش تجـاوزگران جنایتکاروآدمکـشان گرگ کردار ، به خون رنگین است.

از محتوی و رنـگ و بـوی شـعر شـبگیر برمـی آیـد، کـه وی ایـن ابیـات را ، درآسـتانهء یکـی از اعیادمسلمانان سروده است :

بود برملت ما تحفهء عیـد
به دامان شب وجیب سحرخون
نشد سیراب چشم روسیان هیچ
مکیدند از رگ جان بشر خون

***

عبدالرشـید، یکـی ازسـخنوران بـا احـساس است،که سروده هـای او همـه بـه زبـان پـشتو مـی باشند. از او شـعری در دسـترس اسـت، زیـر عنـوان "دخپلواکی اختـره !"، کـه حـاوی پیغـامی اسـت بـا روح تمنا و هوای انتظار !

این سروده ، عید را بـه آمـدن فـرا مـی خوانـد ومی گوید:

مـا بـه امیـد آمـدنت در سـنگر قربانیـان مـی نـشینیم ، تـا بیـایی وببینـی کـه درکـشور خـونین کفنان چه ها می گذرد؟

وی همچنان می افزاید:

ای عید! بیاو وضع غمدیدهٔ ما را بنگر...!

فرجـامین بنـد شـعر عبدالرشـید ، منظـور وی را در قالـب فراخـوان ، صـریح تـر بیـان مـی دارد وآن اینکه: آمـدن عیدخوشـی ، درصـورتی متحقـق مـی گردد که، مـا شـاهد آزادی را در کنـار داشـته باشـیم و آن گـاه اسـت کـه عیـد، عنـوان مـی یابـد بـه "عیـدآزادی" ! گویـا پیغـامی کـه درشـعر ایـن همکار پیشین من نهفته است ، این است که :

بـی یمـن قـدومت بـا چـه تـشریف بـشکفیم؟ هرگـاه تـو (ای رهیـدگی) در دیـار خونبـار مـا تـشریف فرمـا شـدی ، مـی تـوانم بیـدل آسـا نغمـه خوانم این چنین :

صبح شو ای شب که خورشید من اکنون می رسد
عید من مردم گو برو، عید من اکنون می رسد
آرزو خواهد کلاه ناز برگردون فگند
جام می در دست جمشید من اکنون می رسد

خوانندهء عزیـز را بـه مطالعـهء قـسمت هـایی از شعر عبدالرشید، فرامی خوانیم:

اختره! مونږ ستا د راتلو په هیله
د قربانیانو په مورچل کې ناست یو
ستا دپیغام د ر سیدو په هیله
دسرو اورونو په لوی تل کې ناست یو
اختره! تول هېواد پرهر پرهر دی
ته پری یرغل دسره ښامار وګوره
پری غورېدلی دماتم تږغر دی
د ټوپك او ټانك ګرد و غبار و ګوره
اختره ! ته د آزادی اختر یی
راځه راځه ګرانه زمونږ چمن ته
که ته رښتیا دخپلواکی اختر یی
خدای دی ژر راوله زمونږ وطن ته

***

زمـانی کـه کلکـسیون مجلـهء "میثـاق خـون" را ورق می زدم، راجـع بـه عیـد شـعرکوتاهی — کـه به اسلوب شـعر نـو انـشاد یافتـه بـود — بـه چـشمم خورد . اما اسم سراینده درآن درج نبود!

گوینـــدهٔ آن ، ماننـــد اکثـــر شـــعرای دوران جهادومقاومت، مدعی است که :

آن روز ها که چشم یتیمان خورد سال
درخون نشسته است
هرگز به چشم مردخردمند عید نیست
سالی که جای پای سعادت درآن نبود
در دیدگاه مردم دانا سعید نیست!

چـون، بـه قـول ایـن شـاعر، "عیـد" مفهـوم "جـشن و روز جـشن را مـی رسـاند و یـا هـر روزی کـه در آن یـاد بـودی باشـد از خوشـی و شـادی برای گروهی ازمردم!"

الحـق، بـا حاکمیـت جـلادان روسـی و ایـادی آن درافغانستان، عید چگونـه مـی توانـست مـصداق پیدا کند ؟

***

یکـــی از نویـــسندگان شـــناخته شـــدهء دوران جهـــاد و مقاومـــت، محمـــد نـــسیم فقیـــری اســـت. فرهنگیان با این چهره، بـه عنـوان یـک نویـسنده و تحلیلگـــر مـــسلط و صـــاحب نظـــر، خـــوبتر آشـــنا هستند، تا یک شاعر !

من وقتـی کـه اثـر "عیـد درمیـرت..." ایـن یـار دیـرین را درمجلـهء وزیـن "میثـاق خـون" خوانـدم، دریـافتم کـه او علاقمنـد مـشق سـرایش شـعر سـپید نیز است.

سـرودهء متـذکره، بـا روحیـهء شـعر یکـی از همرهان گرامی من و او: (تارشـی) ـ کـه راجـع بـه کـشتار مـسلمانان میـرت واقـع درمنـاطق شـمالی هند، در بیست سال قبـل از امـروز انـشاد کـرده بـود ـ همـاهنگی دارد. ایـن سـروده نیـز چـون سـرودهء تارشـــی، مظهـــری از همـــدردی و همـــدلی بـــا مسلمانان جهـان اسـت و تاجـایی معلـوم مـی شـود هـر دو شـعر در یـک زمـان، از قلـم ایـن دو آگهـی سرمایه تراوش یافته اند.

چنانچـه گفتـه آمـدیم: عیـد در زمـان حاکمیـت رژیم کمونیـستی و سـلطهء روسـها در افغانـستان، و هکذا عید برای مـسلمانان بخـش شـمالی هنـد، بـه علـت آفریـده شـدن تراژیـدیی بـزرگ بـه وسـیلهء رژیـم راجیـو بـرای آنهـا ـ چنانچـه فقیـری مـدعی است ـ غریب بود و بیکس و نا آشنا!

خـوب اسـت دلایـل بیـشتر ایـن مـساله را ، در اثـــر "عیـــد در "میـــرت"، عیـــددرماتم" جـــستجو کنیم:

عید فرا رسید ...
عید، درکوچه های شهر "میرت" -
غریب ، بیکس وناآشناست !
عید، درماتمکده های "میرت"، "دهلی" و "گجرات"-
میزبان ندارد...!
زیرا :
هنوز خون گرم کشتگان بیگناه -
درمحلات شهر "میرت" نخشکیده بود...!
هنوز قطرات اشک درچشمان خونبار اطفال و-
همسران روزه داران شهید، نه خشکیده بود که :
عید فرا رسید،
تا :
بت پرستان سیه درون
ازخون مظلومان مسلمان-
"قشقه" بکشند !
در کشور هندوستان،
که درمطبوعات غرب:
"بزرگترین دموکراسی دنیاست"!!
وسیکولر،
هندوها، هولی ها و درگاه "پوجاها"...
مراسم مذهبی را ـ
با کمال مسرت وشادی ،
برگزارمی کنند...
ولی عید :
برمسلمانان ماتم می شود...!

***

ادامه دارد

مذهب عَقَدِی (عقیدوی) سید جمال الدین افغانی

بخش دوم

فضل الرحمن فاضل



اگر قلم بران سید در عروهٔ الوثقی، متوجه استعمار انگلیس بود؛ بعد از حادثهء المناک و شرمبار حضرت شاه عبدالعظیم در لابلای صفحات ضیاء الخافقین، متوجه ناصرالدین شاه گردید که وی در مقالات نشر شده در آن نشریه، طاغوت خوانده شده است

کتاب دوانی، به این ترتیب پایان می پذیرد و این عناوینی که من بیرون نویس کردم، از طرف سید جمال شرح نشده است ، بلکه او بعد از ذکر معاد جسمانی می گوید:

تا اینجا که سیر اندیشهء ما رسید، قلم توقف کرد و سپاس خدای را که به خیر پایان یافت واین وقت اواخر ذوالحجهٔ الحرام ۱۲۹۲ هجرت محمدی است. صلی الله علیه وسلم علی مفتتح تاریخها وعلی آله و اصحابه. قاهره – ۱۲۹۲هـ

استاد سید هادی خسروشاهی در مقدمهء این مجموعه، همین چند جمله یی را که در بالا آورده شد، درج نموده و علت این که چرا سید، کتاب را تا آخر شرح نداده است، چنین میگوید:

«سید جمال الدین از استمرار در شرح، به خاطر اجتناب از خوض در مسایل خلافی، به ویژه قضیهء خلافت وامامت، توقف نمود. زیرا خوض در این مسایل برا ی شیخ محمد عبده و با نظر به معتقدات او، امر آسانی است و معقول نیست که قلمش در آن حد توقف نماید! خسروشاهی.»

استاد سید هادی خسرو شاهی گرچه این عبارت آخر مقدمه اش را دلیلی آورده است که شارح این تعلیقات شیخ محمد عبده نیست، بلکه سید جمال الدین است. اما او در این سطور می خواهد حرف دلش را در لفافه بیان کند و صریح نمی گوید، اما با اندکترین تعمق هر کس می داند که استاد خسرو شاهی چه می خواهد بگوید؟! استاد سید هادی خسروشاهی می گوید یا دقیقتر از فحوای کلامش چنین استنباط می شود که:

سید جمال الدین شیعه است و شیخ محمد عبده سنی. چون مباحث بعدی کتاب مورد بحث، مسالهء امامت و خلافت است و سید جمال الدین به خاطر شیعه بودن مخالف آن، نظر دارد، بناءً تعلیقات و یا تدریس کتاب شرح عقاید را پایان می دهد!

اصرار استاد خسرو شاهی برای شیعه ثابت کردن سید جمال الدین ، به خاطری است که او را ایرانی ثابت کند و وضع این مقدمه هم به اصطلاح منطقیون، به خاطر آن نتیجه است؛ زیرا او می داند که سادات کنر، اهل سنتند و آسان ترین طریقه برای ایرانی ساختن سید همین مذهب عقیدتی اش است.

اما من این دلیل استاد خسرو شاهی را که در لفافه بیان کرده است نمی پذیرم، شاید علت دیگری داشته باشد و یا شاید بقیهء حرف ها آن قدر واضح بوده باشد که نیازی به تدریس نداشته باشد. اگر مسالهء اختلاف دو مذهب اهل تشیع وتسنن در میان می بود، سید بایست شرح هایش را در مبحث "رؤیهٔ الله " پایان می داد ، زیرا برادران شیعه "رویت خدا" در آخرت را ممکن نمی دانند و آن را تأویل می نمایند که در کتاب های عقاید امامیه، این مساله درج است . در حالی که سید آن بحث را به پایان می برد و در پایان آن، چنین نتیجه می گیرد که"**بل الواجب علینا هو الایمان بأن الله یری- کما أخبر- علی وجه منزه عما هو من خواص الحوادث، ولیکن بأیة قوة من قوانا، او بقوة جدیدة یخلقها الله فی تلک الوقت، فی عضو من اعضائنا، وان کان القلب.**"

بناءً اگر سید مثل شارح عقاید سنی نمی بود، جرأتمندانه، طوری که از ویژگی های او بود، عقیده و باور قلبی خویش را بیان می کرد و گفتهء شارح عقاید عضدیه رانقد می نمود. سید گرانقدری که به گفتهء محمد مخزومی، شاگرد و جلیس دیرینش «**جمال الدین لایری فی التکتم فضیلة، بل یری فیه معرة و نقصا فی الهمم**» بناءً از مردی چون سید جمال که در گسترهء خاکی از کسی حذر نمی کرد، و به گفتهء قبلی شاگردش مخزومی، پنهانکاری را با وجودی که فضیلت نمی دانست، بلکه آن را کاستی می شمرد و بی همتی، محال است که عقاید خود را حتی از شاگردانش، پنهان نگه دارد و حتی، کتابی را شرح نکند که خودش انتخاب نموده است و از قبل می داند که در آن چه نگاشته شده ومحتویات آن چیست.؟!

به استاد سید هادی خسرو شاهی که برای جناب شان، ارادت غیابی دارم و از نبشته های شان، بهره های و افری برده ام، احترامانه تذکر می دهم که در افغانستان ما، در خواندن کتاب های دینی عنعنه همین است که هیچ کتاب را در مراحل بالایی تا آخر نزد استاد فرا نمی گیرند، و طالب العلم بعد از آموختن بخشی از کتاب، با اسلوب آن کتاب آشنا می شود و خودش آن را مطالعه می کند. سید افغانی شاید این عنعنه را که در میان طالبان و مدارس علوم دینی میهنش افغانستان رواج دارد، خواسته است در مصر هم پیاده کند. والله اعلم.

برگردیم به ادامهء بحث، شارح عقاید در مبحث رویت خدا در آخرت بیان داشته است که موسی، از خداوند خواست تا خود را به او بنمایاند و اگر چنین چیزی ممکن نمی بود، هیچ عاقلی تقاضای امر ناممکن را نمی کند چه جای که آن شخص چون موسی پیامبر باشد.

شارح عقاید عضدیه در همین مبحث می گوید که "**وهو تعالی مرئی للمؤمنین بیوم القیامه**" این مذهب اشاعره و سلف صالح است. هرگاه سید، نظر مخالفی می داشت، حتماً آن راب یان می کرد.

با وجودی آنچه یاد آور شدم، من بار دیگر "**التعلیقات علی شرح العقائد العضدیه**" را مجدداً، مکرر و با تأنی مطالعه کردم ، به نظرم چنین آمد که سید چون یک پیرو ابو الحسن اشعری یا اشعری مذهب، از مذهب عقدی خویش دفاع می کند، طوری که مذهب فقهی سید جمال حنفی بود، دلایل من این است:

۱– در صفحهء ۲۹۲ تعلیقاتش، سید جمال می گوید "**و الشیخ الاشعری- رضی الله عنه- قال:**" در حالی که وقتی از معتزله و اسماعلیه یاد آوری می کند "رضی الله عنه" نمی گوید و اما از امام رازی که اشعری است با احترام یاد می کند و او را با لقب" الامام" یاد آور می شود.

۲– در صفحهء ۲۹۴ و ۲۹۵ که از "**سمنیهٔ**" و اسماعیلیه چنین یاد می کند:

"**..وقد ذکر الشارح مها شینا، لعدم الفائدة فی الاستدلال و المعارضة هذه المذاهب الباطلة، اضربنا عن نقل شئ منها، وابداء رأینا فیه**"

سید جمال، در بالا مذهب اسماعیلیه، را باطل می خواند وآن را همردیف سمنیه که منکر نبوت و رسالت است می آورد...

۳– حتی سید جمال در همین صفحه ۲۹۵ می گوید: شرع و قرآن به مثابهء آموزگار برای ما کافی است و آنچه ما با یقین از قرآن اخذ می نماییم کفایت می کند و به معلم مخصوص که امام معصوم است نیازی نداریم و نه به نایب از شرع محتاج هستیم...

برای این که خواننده گمان نکند که شاید ترجمهء من کاستی داشته باشد متن اصلی گفته شده به وسیلهء سید جمال الدین را از صفحهء ۲۹۵ کتابی مورد بحث، نقل می نمایم او می گوید:

"**فنقول: کفی بالشرع والقرآن معلما، فیکفی أخذ ما نتیقنه من القرآن، فلا حاجة إلی المعلم المخصوص، وهو الإمام المعصوم. ولسنا نحتاج إلی نائب عن الشرع إلا فی مجرد التبلیغ، ثم الشرع نفسه یکون المعلم و الأخذ.**"

۴– بر علاوهء آن، سید جمال الدین در چندین جای وقتی که حرف از مذهب اشعری می آید، آن را به عبارت "**أصحابنا**" یا آوری می کند که استا سید هادی خسر شاهی، به مثابهء دانشمند علوم دینی و برخاسته از حوزه های علمی، که با متون عربی سر و کار دارند ، بهتر می دانند که "اصحابنا" در متون فقهی وکلامی، چه افاده یی دارد. من طور نمونه این متن را از صحفهء ۳۱۱ سطر چهار نقل می نمایم که در آن آمده است:

"**أقول: هذا الذی ذکره حجة الاسلام وهو قول الأشعری و رأی کثیر من أصحابنا**"

۵– سید جمال الدین در مبحث صفات خدا، نظر اشعری را با تمجید یاد آوری نموده آن را موافق سنت می خواند می گوید: "**وهذا الحمل أجدر بمقام الشیخ، و وقوفه عند السنة و بعده عن ضلال البدعة رحمه الله**" صفحهء ۳۴۷.

۶– استاد سید هادی خسروشاهی از مخالفت های اشعری ها و معتزلی ها در میان علماء کلام اهل سنت و جماعت بیشتر آگاهی دارند، به ایشان باید گفت که سید جمال الدین افغانی در دفاع از اشعری آن قدر، پیش می رود که معتزلی ها را بی عقل می خواند. به صفحهء ۴۷۶ کتاب مراجعه می کنیم در آن آمده است: **فالقول ما قال الشیخ ابو منصور، و إن وافقه علیه صدقه جماعة ممن لاعقل لهم کالمعتزلة**"

۷– سید جمال الدین، ابو المعالی امام الجوینی را با همان لقب فخیمش یعنی «امام الحرمین» می خواند و او را با عبارت «من اصحابنا» از زمرهء همفکرانش قلمداد می کند؛ در حالی که همه می دانند، امام الحرمین از جملهء امامان اشاعره است.

۸– در صفحهء ۱۶۵ همین کتاب ، سید، در توصیف ابوالحسن اشعری، در تبصره بر این که برهان یعنی حجت و دلیل بایست از تقلید و تشویش سالم باشد می افزاید «**وهذا هو دأب مشایخنا کالشیخ الأشعری و الشیخ أبی منصور و من ماثلهم، لا یأخذون قولاً حتی یسددوه ببراهینهم القویة علی حسب طاقتهم**» یعنی و این سالم بودن برهان از تقلید و تشویش، خوی وعادت مشایخ ما امثال شیخ اشعری و شیخ ابو منصور و آنانی است که چون ایشان رفتار کردند، هیچ قولی را نمی گیرند، مگر این که آن را با دلایل نیرومند بر حسب توانایی شان نشانه گیر ی نمایند.

هموطن ارجمند من که این حرف ها را مطالعه می کند، شاید باز هم به خاطر شریفش خطور کند که اگر سید جمال الدین، شیعه نمی بود، چرا چندین نامه به زعامت شیعه در عراق و ایران نگاشت و از آنان به خاطر سرنگونی و عزل ناصر الدین شاه قاجار، استمداد جست؟ این هم پرسشی معقول.

در پاسخ باید عرض کرد که اگر آن مرحلهء زمانی نگارش آن نامه ها را بر رسی نماییم، در می یابیم که مقارن شرایط دشوار زندگی سید جمال و اخراجش بیا آن توهین و تحقیر از حضرت شاه عبد العظیم است که سید جمال بایست به هر وسیلهء معقول، در انتقام از کسی که، بر شخصیت او تاخته بود، دست می یازید و بهترین وسیله همین استمداد از رهبران دینی و مراجع تقلید بود و سید از نقش ایشان در میان مردم آگاهی کامل داشت.

پنج نامه یی که از سید، عنوانی بزرگان شیعه نگاشته شده است، دو تای آن بعد از اخراج از ایران و هنگام اقامت کوتاه مدت در بصره به رشتهء تحریر درآمده است و سه تای باقی مانده هم بعد از سفر سید به لندن که در ضیاءالخافقین، به نشر رسیده است و بر علاوه طور خفیه در فارس و عراق هم در میان مردم توزیع گردیده است.

اگر قلم بران سید در عروهٔ الوثقی، متوجه استعمار انگلیس بود؛ بعد از حادثهء المناک و شرمبار حضرت شاه عبدالعظیم در لابلای صفحات ضیاء الخافقین، متوجه ناصرالدین شاه گردید که وی در مقالات نشر شده در آن نشریه، طاغوت خوانده شده است.

این نامه ها، قابل غور و بررسی بیشتر است تا نکته های دیگری را از لابلای آنها، دریابیم. من فقط به گونهء مثال یادآوری می نمایم که سید در نامهء مشهورش به مرحوم آیت الله حاج میرزا حسن شیرازی، بزرگترین مرجع جهان تشیع در آن زمان ، او را چنین مورد خطاب، قرار داده است.

«**...ان آحاد الامة لایزالون یسألون شاخصة أبصارهم ، عن أسباب قضت علی حجة الاسلام (إیاک أعنی) بالسبات والسکوت...**»

این عبارت توسط استاد خسرو شاهی یا کسی دیگری در صفحهء ۶۲ کتاب نامه ها و اسناد سیاسی و تاریخی سید جمال الدین ، چنین ترجمه شده است:

«ایرانیان همگی مات و مبهوت مانده اند از هم می پرسند چرا حضرت حجهٔ الاسلام در مقابل این حوادث سکوت نموده؟»

خوانندگان ارجمند نیازی ندارند تا برای شان ترجمه را با متن اصلی مقایسه نمایم ، خود مشاهده می فرمایند که واژه ها چگونه ترجمه شده است، اما دو واژه یی که اصلا ترجمه نشده است، آنرا خاطر نشان می سازم.

سید به خاطر توجه بیشتر حضرت مرحوم میرزای شیرازی علیه الرحمهٔ، در میان قوسین می گوید **(إیاک أعنی)** هدفم تو هستی!. دیگر واژهء «سبات» است که همه می دانند «خواب» معنی می دهد. به این مفهوم که چه چیز حجهٔ الاسلا م را به خواب و سکوت وا داشته است؟

هدف من از ذکر مثال بالا شاید روشن باشد، اما بازهم به خاطر اطمینان بیشتر، یادآور می شوم که جملهء حضرت سید، آن قدر زننده است که یک قرن بعد هم و دقیقتر ۱۱۵ سال بعد هم استاد سید هادی خسرو شاهی در هراس است و جرأت ندارد تا ترجمهء آن جمله سید را که مخاطبش رهبر بزرگ جهان تشیع است و ایشان هم سالهاست که به رحمت ایزدی پیوسته اند، در روی کاغذ بیاورد.

بناءً سید جمال الدین افغانی فرار شده و تبعید شده از ایران، اگر ایرانی می بود و یا شیعه، چگونه از بصره به سامرا، بزرگترین رهبر جهان تشیع را، آن چنان می توانست مورد خطاب قرار دهد؟! بلی رگ افغانی اش تور خورده بود! به گمانم همین قدر کفایت می کند!

به عنوان حسن ختام این بخش، همان دعایی را ذکر می نمایم که سید جمال الدین افغانی، در پایان تعلیقاتش بر زبان رانده است، او آل پیامبر واصحاب او را که شیوهء اهل سنت و جماعت است یکجا ذکر می کند و چنین می فرماید:

"**صلی الله وسلم علی مفتتح تاریخها وعلی آله و أصحابه**"

از طرف من هم درود بی پایان نثار پیامبر اکرم، آل مطهر و یاران گرامی او باد!

از حوادث مهم امنیتی سال ۱۳۸۵

۱ حمل: ۱۴ تن از افراد طالبان در جنگ با نیروهای دولتی در سپین بولدک کندهار کشته شدند.

– عبداللطیف ابراهیمی والی فاریاب از یک سوء قصد جان به سلامت برد. والی فاریاب می گوید که سوء قصد کنندگان به جنرال ملک مربوط بوده اند.

۸ حمل: عبدالرحمن که به جرم ارتداد دستگیر شده بود پس از یک هفته توقیف و محاکمه از حبس رها شد و ایتالیا او را پناه داد.

– در دو حملهء انتحاری در قندهار دو انتحار کننده کشته شدند.

– طالبان به ولسوالی لشکرگاه و کجکی حمله کردند.

– انفجار یک بمب تعبیه شده در شاهراه کابل - قندهار موجب هلاکت ۵ نفر شد. دو خارجی از جملهء کشته شدگان در این حمله بودند. همهٔ کشته شدگان به یک شرکت امنیتی امریکایی تعلق داشتند.

– نیروهای دولتی و امریکایی ۳۲ تن از شورشیان طالب را در ولایت هلمند در ولسوالی کجکی به هلاکت رسانیدند.

۱۰ حمل: در اثر غرق شدن یک کشتی در آبهای بحرین در خلیج فارس ۵۷ سرنشین آن به هلاکت رسیدند.

۱۱حمل: ولسوال ولسوالی دولت شاه لغمان از سوی طالبان در ولایت لغمان به قتل رسید.

۱۲ حمل: رئیس شورای ولایتی ولایت تخار در منزلش در ولسوالی خواجه غار از سوی افراد ناشناس به قتل رسید.

۱۳ حمل: یک مهندس ترکی در دلارام ولایت نیمروز از سوی طالبان اسیر و به هلاکت رسید.

۱۵ حمل: مدیر امنیت ولسوالی دلارام ولایت نیمروز توسط طالبان ترور شد.

۲۱ حمل: پنج تن از کارکنان صحی یک کلینیک صحی در ولسوالی تادوش ولایت بادغیس توسط افرادی مسلح ناشناس به قتل رسیدند.

– در یک تنش میان کوچیان و مردم محل در ولایت خوست سه تن کشته شدند.

– انفجار یک راکت در یک مکتب در مرکز ولسوالی اسد آباد ولایت کنر جان ۶ دانش آموز کودک را گرفت.

۲۵ حمل: مسؤول تبلیغات شورای علمای ولایت قندهار از سوی افراد ناشناس به قتل رسید.

– انفجار بمب در خوست جان سه پلیس را گرفت.

– ولسوال باغران ولایت هلمند توسط طالبان کشته شد.

– در اثر حملهٔ نیروهای دولتی ۴۱ تن از افراد طالبان کشته شدند.

۲ثور: چهار سرباز کانادایی در ۴۰ کیلومتری قندهار توسط انفجار بمب جاسازی شده در کنار جاده کشته شدند.

۴ ثور: یک هواپیمای این سی و دو (N32) در ولایت هلمند سقوط کرد که از اثر آن ۵ تن کشته و ۶ خانه ویران شد.

– چهار سرباز پلیس ملی در شهر اسدآباد کنر در انفجار ماین کشته شدند.

۸ ثور: طالبان یک مهندس هندوستانی شرکت مخابراتی روشن را ربودند.

۱۰ثور: طالبان مهندس هندوستانی را سربریدند.

– چهار سرباز پلیس ملی در ولسوالی باغران ولایت هلمند کشته شدند.

۱۱ ثور: دو تن از تظاهر کنندگان در ولسوالی آقچهء ولایت جوزجان توسط پلیس محل به قتل رسیدند.

۱۳ ثور: یک قاضی محکمه در ولایت فراه به وسیلهء طالبان ترور شد.

۱۵ ثور: یک هلیکوپتر نظامی نیروهای امریکایی در ولایت کنر توسط طالبان سقوط داده شد. در این حادثه ده تن کشته شدند.

۱۶ ثور: در اثر سقوط یک بس مسافر بری در ولسوالی شولگرهء ولایت بلخ ۶ تن از سرنشینان آن کشته شدند.

۲۱ ثور: شلیک راکت بر یک موتر در هرات موجب هلاکت دو نفر شد. این موتر متعلق به صلیب سرخ بود.

۲۵ ثور: فرماندە امنیهء ولسوالی پنجاب ولایت سرپل از سوی تعدادی از افراد مسلح ناشناس در آن ولایت کشته شد.

– طالبان دو تن از کارمندان دولتی را در ولسوالی گرشک ولایت هلمند سر بریدند.

۲۷ ثور: طی عملیاتی در ولایت هلمند ۸۰ طالب کشته شدند.

– طی حملهء انتحاری در هرات یک سرباز امریکایی کشته شد.

۲۹ ثور: ۴۰ نفر در اثر تصادم دو بس در ترکیه کشته شدند. بیشترین این کشته شدگان شهروندان افغانستان هستند که به طور غیر قانونی مهاجرت کرده بودند.

۳۰ ثور: امان الله یکی از فرماندهان پیشین جهادی و یکی از مخالفان اسماعیل خان در هرات از سوی یک فرد موتر سایکل سوار با بمب دستی مورد حمله قرار گرفت و به شدت زخمی شد. در این حادثه دو تن از همکارانش نیز زخمی شدند.

۱ جوزا: در اثر بمباران هواپیماهای امریکایی در ولایت قندهار ۶۰ طالب و ۱۶ غیر نظامی کشته شدند.

۲ جوزا: در اثر انفجار یک ماین جا گذاری شده در ولایت میدان وردک چهار تن از کارکنان یک سازمان امداد رسانی کشته شدند.

– ولسوال و فرماندهء پلیس ولسوالی شهرک ولایت غور توسط افرادی نا شناس به قتل رسیدند. در این حمله دو تن از محافظان آنها نیز کشته شدند.

۳ جوزا: ۶۰ تن از افراد طالبان طی عملیاتی در ولایت ارزگان کشته شدند. در این عملیات ۶ تن از افراد اردوی ملی نیز به قتل رسیدند.

– دو فرماندهء طالب به نام های نجم الدین و ملامحمد دستگیر شدند. این فرماندهان دو هفته قبل سه تن از کارمندان صحی را در ولسوالی گلرخ کشته بودند.

۵ جوزا: دولت اعلان کرد که یک قطعهء ۵۰۰ نفری از مجاهدین و قومندانان مجاهدین برای سرکوبی طالبان در ولایت هلمند تشکیل شده است.

۶ جوزا: کرزی به ایران سفر کرد و دربارهء مسائل افغانستان و منطقه با مقامات ایرانی گفتگو نمود.

۸ جوزا: در اثر بمباران هواپیماهای امریکایی در ولسوالی کجکی ولایت هلمند ۶۰ از افراد طالبان کشته شدند.

– کاروان های امریکایی که از طریق جادهء کهنهء شمال کابل سفر می کردند موترهای مسافر بری را در کوتل خیرخانه زیر گرفت و موجب هلاکت بیش از ۴۰ نفر و زخمی شدن ۱۳۰ تن شد.

پیامد این حادثه تظاهرات گسترده یی در شهر کابل بود که طی آن هتل سرینا، تلویزیون آریانا و شماری از مراکز پلیس و رستورانت های دیگر شهر به آتش کشیده شد و یا به آنها خساراتی وارد شد.

این حادثه دولت را شدیداً متزلزل کرد.

۹ جوزا: پنج کارمند مؤسسهء آلشن اید آلمانی در ولایت جوزجان از سوی افراد ناشناس به ضرب گلوله کشته شدند. در میان کشته شدگان سه زن نیز وجود داشتند.

۱۰ جوزا: یک مکتب متوسطه در ولسوالی شیرین تگاب ولایت فاریاب از سوی افرادی ناشناس به آتش کشیده شد.

۱۸ جوزا: ابو مصعب الزرقاوی رهبر گروه القاعده در عراق با شش تن از همراهانش در شمال بغداد طی بمباران نیروهای امریکایی کشته شد.

۲۵ جوزا: در اثر انفجار یک ماین در شهر قندهار ۸ تن کشته شد.

۲۸ جوزا: انفجار یک بالون گاز در مکتب سلجوقی هرات جان ۱۵ کودک را گرفت.

۷ سرطان: رایس وزیرخارجهء امریکا به طور غیر مترقبه از کابل دیدن کرد. او در کابل حمایت کشورش را از دولت آقای کرزی ابراز داشت.

۲۱ سرطان: انفجار هفت بمب در بمبیی هندوستان جان ۱۶۰ تن را گرفت و ۴۰۰ تن دیگر را زخمی ساخت.

۲۷ سرطان: طالبان ولسوالی های گرمسیر و ناوهء ولایت هلمند و غزنی را تصرف کردند.

۱۲ اسد: در یک انفجار بمب در حملهء انتحاری در ولسوالی پنجوایی ولایت قندهار بیش از ۳۰ تن کشته شدند.

۲۷ اسد: هواپیماهای امریکایی طی بمبارانی در ولایت پکتیا دوازده تن پلیس کشور را به قتل رسانید.

۱ سنبله: نواب خان اکبر بگتی رهبر بلوچ های پاکستان در اثر عملیات هوایی نیروهای پاکستان کشته شد.

۱۰ سنبله: ولسوال ولسوالی مقر ولایت غزنی در نزدیکی های شهر غزنی از سوی افراد مسلح طالب کشته شد.

۱۱ سنبله: در اثر سقوط یک هواپیمای نیروهای انگلیسی در ولسوالی پنجوایی ولایت قندهار ۱۴ سرباز انگلیسی کشته شدند.

۱۷ سنبله: در اثر یک حملهء انتحاری در چهار راه مسعود بزرگ در کابل، ۴ نفر کشته شدند.

۱۹ سنبله: حکیم تنیوال والی ولایت پکتیا با سه تن از همراهانش در اثر یک حملهء انتحاری به قتل رسید.

۲۰ سنبله: ۹ تن در مراسم تدفین جنازهء والی پکتیا در اثر حملهء انتحاری دیگر کشته شدند.

۲۷ سنبله: در سه حملهء انتحاری جداگانه در شهرهای کابل، قندهار و هرات به ترتیب ۳ نفر پلیس چهار سرباز کانادایی و ۱۱ نماز گذار کشته شدند. در این حملات بیش از ۳۰ تن زخمی شدند.

۳ میزان: رئیس شورای ولایتی زنان ولایت قندهار در آن شهر ترور شد.

۴ میزان: حملهء انتحاری در هلمند ۱۹ نفر را کشت. انفجار ماین دیگری در خیر آباد چهارآسیاب دو کشته برجای گذاشت.

۸ میزان: در اثر یک حملهء انتحاری در جوار وزارت داخله در کابل ۶ نفر کشته و ۴۲ نفر زخمی شدند.

۱۴ میزان: دو خبرنگار رادیؤی دویچه ولی آلمان در مسیر ولسوالی تاله و برفک ولایت بغلان به بامیان به قتل رسیدند.

۲۸ میزان: ۱۱ تن از کارگران در ولایت کنر از سوی طالبان کشته شدند.

۱ عقرب: قومندان امان الله و پسرش در یک درگیری قصدی در ولسوالی شیندند ولایت هرات کشته شدند. در این درگیری بیش از ۳۲ نفر کشته شدند.

۲ عقرب: بمباران هوایی ناتو در ولسوالی پنجوایی ولایت قندهار منجر به کشته شدن بیش از پنجاه تن از افراد غیر نظامی شد.

۵ عقرب: انفجار یک ماین در حوالی شهر ترینکوت ولایت ارزگان موجب کشته شدن ۱۴ نفر شد.

– غلام اسحاق خان رئیس جمهور پیشین پاکستان در شهر پیشاور پاکستان چشم از جهان پوشید. او از ۱۹۸۸ به بعد دو دور رئیس جمهور پاکستان بود.

۸ عقرب: نیروهای هوایی پاکستان مدرسه یی را در باجور ایجنسی پاکستان بمباران کردند. طی این بمباران ۱۸۰ تن از طالبان مدرسه کشته شدند. گفته می شود که کشته شدگان کسانی بودند که آموزش های تروریستی می دیدند.

۲۵ عقرب: سیلاب در ولسوالی های غورماچ و بالا مرغاب ولایت بادغیس جان ۶۵ نفر را گرفت.

۲۷ عقرب: کنفرانس همکاری های اقتصادی منطقه یی برای کمک به افغانستان در دهلی جدید گشایش یافت و کشورهای مختلف متعهد شدند به کمک های شان به افغانستان ادامه بدهند.

۵ قوس: یک حملهء انتحاری در ارگون ولایت خوست جان ۱۴ نفر را گرفت.

۱ دلو: شورای ملی افغانستان دومین سال کاری اش را آغاز کرد.

۲ دلو: جاوید لودین رئیس دفتر ریاست جمهوری از وظیفه اش کنار رفت.

۳ دلو: طالبان اعلان کردند که در مناطق تحت کنترل شان مکاتب را فعال می سازند.

۵ دلو: از عاشورای حسینی در کابل تجلیل به عمل آمد.

۱۰ دلو: در اثر یک حملهء انتحاری در شهر هرات پنج نفر زخمی شدند.

۱۱ دلو: امتحانات کنکور برای جذب ۲۲ هزار دانشجو به مؤسسات تحصیلات عالی در کابل به راه انداخته شد.

– شش دهشت افگن در ولایت قندهار از سوی مسؤولان امنیتی بازداشت شدند.

۱۳ دلو: ارتش امریکا ۸۰۰ واسطهء زرهی و ۱۲ هزار میل اسلحهء خفیف را برای تجهیز اردوی ملی افغانستان امداد کرد.

– ولسوالی موسی قلعهء ولایت هلمند به دست طالبان افتید.

۱۴ دلو: ۲۲ طالب در ولایت فراه به قتل رسیدند.

۱۶ دلو: بودجهء عادی و انکشافی دولت برای سال ۱۳۸۶ از سوی پارلمان افغانستان تأیید شد.

به بهانهٔ روز جهانی زن

تأملی بر عوامل اثر گذار در عقب ماندگی زنان از الگوی عصر بعثت

بخش دوم

عبدالرحیم احراری

آنچه در کنار و دوشادوش توسعهء کشورهای اسلامی به عنوان حرکتی باز دارنده نیرو گرفت انتقال تدریجی ثروت از بلاد و کشورهای مفتوحه به دیار اعراب بود. این امر سبب شد تا به مرور زمان مرض آسایش و رفاه طلبی در میان مسلمانان عرب که خصوصاً در آن زمان ممثل دین و دولت اسلامی بودند تدریجاً رو به افزایش گذارد، این پدیده اثرات زیان باری را نه تنها بر مسلمانان که بر اسلام هم وارد کرد

تحولی که در ساختار حکومت پس از خلافت راشده پدید آمد اثرات آن تنها در عرصه های خاص محدود و منحصر نماند بلکه فهمی را که پیغمبر اکرم نسبت به زن در جامعهء اسلامی ایجاد کرده و او را به مقام شایستهء وی رسانیدند نیز در بر گرفت

الگویی که رسول کریم صلی الله علیه وسلم در عصر بعثت از زنان ارایه دادند و در شمارهء گذشته این هفته نامه به نمونه هایی از مشارکت زنان در امور مشورتی، حکومتی و نقش شان در فعالیت های اجتماعی در مقاله یی زیر عنوان (نگاهی به شخصیت زن ...) روشنی انداخته شده متأسفانه نتوانست در درازنای تاریخ همچنان باقی بماند و زنان مسلمان به بهره گیری از همان الگو و اساس قرار دادن همان مبنا بتوانند به مدارجی که شایستهء آنند کما حقه دست یابند.

پس از رحلت نبی کریم و فتوحات گسترده و روز افزون اسلامی، کشورهای زیادی در حیطهء دولت اسلامی جای باز کردند، و در اثر همین فتوحات نحوهء حیات و اندیشهء اسلامی رویا روی عوامل پیش برنده و باز دارندهء متعددی قرار گرفت. به این ترتیب اسلام که به نشر و پخش آغاز نمود و تمدن اسلامی گسترش یافت، علوم و فنون رو به رونق نهاد و... اسلام به عنوان اصلی ترین شاخصهء این مجامع مورد قبول جوامع انسانی قرار گرفت و موج فزایندهء مردمی که به دین خدا می گراییدند رو به فزونی نهاد.

اما آنچه در کنار و دوشادوش توسعهء کشورهای اسلامی به عنوان حرکتی باز دارنده نیرو گرفت انتقال تدریجی ثروت از بلاد و کشورهای مفتوحه به دیار اعراب بود. این امر سبب شد تا به مرور زمان مرض آسایش و رفاه طلبی در میان مسلمانان عرب که خصوصاً در آن زمان ممثل دین و دولت اسلامی بودند تدریجاً رو به افزایش گذارد، این پدیده اثرات زیان باری را نه تنها بر مسلمانان که بر اسلام هم وارد کرد.

نمونه و الگویی را که عمر بن خطاب رضی الله عنه ارایه داده بود و اعراب را به آن فرا می خواند و می گفت: "به سنت چنگ زنید تا دولت از آن تان باشد." (۱) بزرگمردی که میان مسلمانان و رفاه طلبانی که در کشورهای مفتوحه وجود داشتند ایستاده و می فرمود: "سنت را بیاموزید، عربی را بفهمید و قرآن را به عربی فراگیرید، زیرا آن کلام الهی به زبان عرب شرف نزول یافته است و مبادا در دام تبذیر و آسایش طلبی گرفتار آیید و بر منش مشرکان قدم بردارید و لباس ابریشم بپوشید...". (۲)

با از بین رفتن خلافت راشده نظام جامعه گرفتار بسیاری از امراض گردید که عمر بن خطاب امت مسلمان را از آن بیم داده بود و باعث گردید تا اسراف و رفاه طلبی، همت دینی و قدرت مانور مسلمانان را سلب نماید و باعث گردد تا افرادی بر مناصب حکومتی تکیه بزنند که اسلام را به خوبی نشناسند و از روح آن بی خبر باشند.

چنین است که دانشمندی هم چون طبری از آثار زیان بار رفاه طلبی سخن رانده می گوید: "اولین بی مبالاتی که نسبت به اسلام شد همین امر است." (۳)

تحولی که در ساختار حکومت پس از خلافت راشده پدید آمد اثرات آن تنها در عرصه های خاص محدود و منحصر نماند بلکه فهمی را که پیغمبر اکرم نسبت به زن در جامعهء اسلامی ایجاد کرده و او را به مقام شایستهء وی رسانیدند نیز در بر گرفت.

کوتاهی ها و بی توجهی های بی شماری از سلاطین و امرا در طول تاریخ در برابر اسرا و کنیزان صورت گرفته است پس از آن که زنان و مردان با همدیگر مباحثه می کردند و از رسول الله می خواستند تا آنان را به حقیقت رهنمون گردد که کدام یک از آنان در جنگ بیشترند؟!

زنان به شکایت نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده می گفتند: مردان به حضور در نزدت پیشی می جویند برای ما روزی قرار داده تا موعظه مان کنی، از چنین حالتی وضعیت زن به سبقت جویی در زینت و خودنمایی در برابر مرد کشیده شد.

دولت ها در عوض آزاد سازی اسرای جنگی (فإما منا بعد و إما فداءً) را به اسیران، بردگان و کنیزان تبدیل نمودند که تنها بازارهای برده فروشی را رونق بخشید.

این جا بود که در سرنوشت زن رویکردی معکوس نسبت به آن چه در عصر خلافت راشده وجود داشت پدید آمد.

این نمونهء نو در آمد، با عادات، تقالید و عرف های مردم در آمیخت به نحوی که زن را با نگاه محقرانه و ابتدایی می نگریست که نمونهء آن در جوامع ابتدایی وجود عینی داشت.

به مرور زمان این نوع نگاه در فرهنگ و ادب مردم هم جایگاه خود را پیدا کرد و حتی در نوع نگاه و نظریات بعضی از فقها هم جا یافت.

این جا بود که نمونه و الگوی زن مسلمان، مجاهد، راوی حدیث و حامل امانت افتاء و تبلیغ از رسول خدا دگرگون شد و در عوض نمونه ها و الگوهایی هم چون زنان خواننده و مطرب، جای گزین گردید و زن به عنوان یکی از آلات عیاشی و خوش گذرانی تبدیل شد به حدی که عده یی سخنان جاهلیت را بر زبان رانده و غایت مجد و کرمت را به بقای فرزندان پسر و مرگ فرزندان دختر منوط دانستند.

با آن که قرآنکریم از ازدواج به عنوان پیمانی محکم و استوار بر اساس دوستی و مهربانی یاد کرده، ارواح و اجساد را با پیوند در "سَكَنًا و سكينةً" ارتباط معنوی بخشیده است با این حال عده یی از فقها ازدواج را با این تعریف شناسانده اند که ازدواج عبارت است از "عقد تملیک در بهره بری" و "عقدی وضع شده برای ملک متعه"؟!

این ذهنیت به حدی گسترده می گردد که امام جلیلی هم چون ابن قیم جوزیه (۶۹۱-۷۵۱هـ) تعبیری را که در زمانش رواج داشته به کار می گیرد و زن را در جایگاه اسیر مقهور قرار داده، می گوید: "آقای منزل بر مملوک خود مسلط است و بر وی حاکم است، و مالک وی می باشد، و مرد بر همسرش تسلط داشته، بر وی حاکم بوده و زن تحت سلطه و قدرت وی هم چون اسیر قرار دارد." (۳)

گرچه این گفته هم صحیح نخواهد بود که این دگرگونی در قبال زن عمومیت داشته است، با وصف آنچه ذکر شد، حال و وضع زن در گذر تمدن اسلامی بسیار بهتر از هر نوع تمدنی دیگر بوده و در کتاب های معرفی شخصیت های اسلامی اسامی زیادی از زنان نخبه در میادین مختلفهء علوم و فنون به چشم می خورد.

اما در هر صورت پس از مدتی، زن جایگاه والا و الگویی خود را از دست داده و از موقعیت ممتازی که اسلام پرچمداری احقاق حق وی را داشت نزول کرد.

با تحولاتی که در عصر جدید پدیدار گردید، الگوی غربی ها از زن بر جوامع اسلام سایه گسترانید، نوع نگاهی که زن را هم چون وسیلهء بهره برداری می نگریست و به دلیل زن بودنش وی را وسیلهء تجارت و معامله قرار داده بود یا هم چون موجودی به تمام معنی همانند مرد با انکار از خصوصیات زنانگی وی از کرامت، حجاب و حیثیت او انکار می کرد...

از این نوع الگو عده یی از مردان و زنان در کشورهای ما هم به دفاع و تبلیغ برخواسته اند - چنانکه عده یی درمیان مسلمانان هم با برگشت به گذشته از زن نمونه های، اسیر، مقهور و معزول از اجتماع ساخته بودند و آن را بر نمونهء غربی ارجحیت می دادند این گروه معتقد بودند که قضیه یی به نام زن و آزادی وی در اساس وجود نداشته و در مقابل عده یی غرب زدهء دیگر نمونهء غربی را الگوی آزادی زن می پندارند و حتی کاسهء داغ تر از آتش (غرب) هستند.

به هر حال، از جمله شبهاتی که در ارتباط به زن مطرح می گردد موارد آتی است:

۱- زنان ناقصات در عقل و دینند. بخاری و مسلم از ابی سعید خدری روایت می کنند که رسول خدا برای نماز اضحی و یا فطر به سوی جایگاه ادای نماز بیرون شد چون از برابر زنان عبور کرد، فرمود: ای جمع زنان من چیزی برنده تر از شما زنانی که نقصان دین و عقل دارید برای ارادهء مرد سراغ ندارم.

زنان گفتند: ای رسول خدا نقصان دین وعقل ما چیست؟ فرمود: آیا شهادت یک زن نصف شهادت یک مرد نیست؟ گفتند: بلی. فرمود: پس این همان نقصان عقل وی است آیا چنان نیست که در عادت ماهوارش نماز نمی گذارد و روزه نمی گیرد؟ گفتند: بلی! فرمود: این همان نقصان دین است.

سؤالی که مطرح می شود این است:

آیا حدیث رسول خدا در عنوان ساختن نقصان عقل و دین به ذم و نکوهش است یا آن که توضیح واقعیتی است بدون آنکه نکوهیدن و بد شمردن تلقی گردد بلکه ذکر این واقعیت، واقعیتی محمود و ستوده است؟

نقص مذموم در هر عملی که باشد با رفع نقیصه، بر طرف می شود، آیا در این مورد هم اگر جبراً شهادت زن معادل شهادت مرد شمرده شود در این صورت ذم و نکوهش برطرف می گردد! طبعاً ... هرگز! بلکه زن، در برابر این نقصان به دلیل آن که از امری شرعی متابعت می کند ستوده می شود.

آیا اگر زن در عادت ماهوارش نماز گذارد و روزه بگیرد نقص دینی برطرف می گردد؟ نه، هرگز! بلکه اگر وی این نقیصه را جبران کند، مذموم و ناپسند است زیرا حرامی دینی را مرتکب می گردد. اما زن در برابر التزام به نقص دینی اجر اخروی دریافت می کند.

بنا بر این نقایص نه تنها که مذموم نیست بلکه محمود پسندیده است حدیث نبوی در واقع یک امر موجود شرعی را عنوان می نماید که زن پاداش دریافت می دارد و در برابر التزام به آن، ستایش می شود، چنین نیست که هدف از بیان این نقص کوبیدن و کم کردن ارزش زن و یا عدم مساوات وی با مرد باشد.

آیا می شود چنین گفت که مردان به دلیل آن که در بعضی موارد شهادت شان پذیرفته نمی شود بلکه تنها شهادت زنان در آن موارد پذیرفتنی است، ناقص عقلند؟

آیا وقتی که در مریضی و سفر روزه خورده می شود و در سفرها نمازها کوتاه ادا می گردد می توان گفت که نقصان دین، پدید آمده است؟

اگر زنان به دلیل آن که روزه را می خورند، در عقل و دین ناقص بر شمرده شوند، چگونه می توان مساواتی را که اسلام میان زنان و مردان در تکالیف، امانات، حساب و جزاء قایل شده است توجیه کرد؟

و مگر با کدام منطق می توان روا دانست و از منظر چنین فهمی نگریست، در حالی که اسلام مسؤولیت های انسانی و اجتماعی و... را به ناقصات عقل و دین (به همان معنی که عده یی دریافته اند) تفویض کرده باشد؟!

حدیث شریف از نقص عقلی یاد می کند که ارادهء پولادین مرد را سست می سازد یعنی از غلبهء عواطف زن بر عقل مرد حکایت می کند - به حدی که بر عقل مرد هم اثر می گذارد - این خود توصیفی است از خصوصیتی که زنان بر اساس فطرت الهی به آن ممتاز شده اند تا این که تکامل به معنی حقیقی آن به وجود آید و تنفر و ضدیت میان عاطفهء زنانه و عقل مردانه پدید نیامده بلکه توازن و همآهنگی که لازمهء سعادت نوع انسانی است پدید آید.

این مفهوم و غرض دینی کجا و برداشت های عده یی از ما مسلمانان کجاست؟

میان ماه من تا ماه گردون
تفاوت از زمین تا آسمان است

شبههء دومی که مطرح می گردد حدیثی است که در مورد ولایت و یا خلافت زن از رسول کریم استناد می شود. نص حدیث چنین است:

امام احمداز ابی بکره روایت می کند که مردمانی از بلاد فارس پیش رسول الله صلی الله علیه وسلم آمدند رسول خدا از آنان پرسید: "حکومت فارس در دست کیست؟".

گفتند: در دست زنی، سپس رسول خدا فرمود: "رستگار نخواهد شد قومی که متولی امر آنان، زنی باشد".

کسانی که با این حدیث بر تحریم اشتراک زن در امور عامهء جامعه و مسؤولیت های محدود سیاسی اصرار می ورزند از این واقعیت غفلت ورزیده اند که حدیث در مورد ولایت عامه یعنی ریاست دولت و رهبری امت اسلامی است.

درمیان جمهور مسلمانان اختلافی وجود ندارد که در ولایت عظمی و ولایت عام، زن نمی تواند بر این مسند تکیه بزند اما در غیر از این منصب، در ولایت خاصه فریضهء امر به معروف و نهی از منکر، مشارکت را در انجام رسالت دینی بدون هیچ گونه تمایزی، لازم می آورد... این شبهه در واقع از خلط در مبحث ولایت خاصه به ولایت عامه که موضوع حدیث است، نشأت گرفته است.

چنین شبه هایی، در گذشته و حال، مطرح گردیده و گاه پوشش های منحرفی باعث گردیده تا قضاوت دین اسلام در امور زن به بی عدالتی متهم گردد، در حالی که در همه موارد، نه تنها اسلام از این تهمت به دور بوده است بلکه همهء احکام آن مبتنی بر اصول نظری و اساس خلقت بشری و ملاحظهء نقاط قوت و ضعف، مشروعیت یافته است که در یک کلام باید خلاصه کرد که: اسلام از زنان مسلمان خواسته است تا الگوی شان را در زندگی و حیات فردی و اجتماعی از زنی همچون اسماء بنت ابی بکر صدیق، جستجو کنند زنی که در وقایع بزرگ دعوت و دولت اسلامی فعالانه سهم گرفت. زنی که اسب های جهادی شوهرش زبیر بن عوام را نگهداری می کرد، در زمینش به کشت مشغول می شد و در غزوه ها، همراهش در نبردها شرکت می جست، در حفظ آبروی شوهرش کوشا بود و فرزندش عبدالله را بر فدا شدن و شهادت، تربیه نمود و همراه با وی در مشوره های مربوط، شرکت می کرد و در برابر حجاج بن یوسف به شکلی که در کتب تاریخ ضرب المثل است استدلال می نمود.

رویکردها
۱-خطب عمر بن الخطاب و وصایاه، ص۱۳۹
۲-همان، ص ۱۳۱
۳-اعلام الموقعین، ج۲، ص۱۰۶، طبع بیروت

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور هفتم سال پنجم شمارهٔ چهل و دوم پنجشنبه ۲۸ حوت ۱۳۸۵ ۳۰ صفرالمظفر ۱٤۲٦ - March 19 , 2007

د ادیانو د درناوی لپاره دې نوی نړیوال تړون لاسلیک شي

د بشر د حقوقو په شورا کې د اسلامي کنفرانس سر منشي له "م.م" نه وغوښتل، چې د ادیانو د احترام په اړه دې ناغیړي نه کوي.

د کویت خبري اژانس وایي، چې اکمل الدین احسان اوغلو د اسلامي هېوادونو د کنفرانس سرمنشي د "م.م" د بشر د حقوقو د شورا په څلورمه غونډه کې د خپلې وینا په ترڅ کې وویل چې: "د بشر د حقوقو شورا دې د ادیانو د سپکاوی، د مخنیوی په مقابل کې ګرندی مبارزه وکړي او په لویدیځ کې چې د اسلام پر خلاف کوم منفي دریځونه روان دي، د هغه مخه دې ونیول شي او همدغسې ادیانو ته د درناوي لپاره دې یو نوي نړیوال تړون لاسلیک شي."

جشن ده سالگی "پیام مجاهد" و جایزهٔ "آزادی"

روز شنبه ۲۷ حوت ده سالگی هفته نامهٔ "پیام مجاهد" تجلیل شد و به شماری از نویسندگان و هنرمندان جوایزی به عنوان "آزادی" بدین مناسبت از سوی ادارهٔ پیام مجاهد اعطا گردید.

رهنورد زریاب در داستان نویسی و پرتو نادری در شعر و خواجه احمد انصاری در سیاست و اجتماع و عبدالرزاق مأمون در گردانندگی برنامه های تلویزیونی و نجیبه ایوبی در مدیریت رادیویی و احسان سلام در طنز نویسی و میر حیدر مطهر مدیر مسؤول روزنامهٔ آرمان ملی در مدیریت روزنامهٔ مستقل و احمدشاه افغانزی در مدیریت تلویزیون مستقل و حشمت کارگردان فیلم بهار امید (در عرصهٔ سیمای جهاد افغانستان) در کارگردانی فیلم و نصیر عبدالرحمن مدیر انتشارات میوند در نشر کتاب به عنوان بهترین ها در این زمینه ها برندهٔ جایزهٔ آزادی شناخته شدند.

هر یک از این برندگان جوایز سخنانی در باب وضعیت فرهنگ و ادبیات و هنر در افغانستان کنونی ایراد کردند. همچنان مدیریت پیام مجاهد جوایزی به همکاران سختکوش روزهای دشوار این هفته نامه عبدالبصیر هوتک و اسحاق فایز و عظیم آقا اعطا نمود.

جوایز این همایش لوحی از فوتوی قهرمان ملی افغانستان شهید احمدشاه مسعود به عنوان بنیانگذار هفته نامهٔ پیام مجاهد و شماری از بهترین کتاب ها در زمینه های گونه گون بود.

در پایان این محفل عبدالحفیظ منصور مدیر مسؤول پیام مجاهد سخنرانی کوتاهی کرد و گفت که به خلاف ادعای بسیاری از مؤسسات و نشریه ها پیام مجاهد چندان مستقل نیست، ما شدیداً به ارزش های دینی و فرهنگی جامعهٔ خویش از لحاظ فکری بستگی داریم و شماری از رهبران و فرماندهان مجاهدین را نام برد و گفت که از لحاظ مالی و مادی به کمک های آنان متکی است و افزود: اما از هیچ کشور و منبع خارجی ما کمکی دریافت نکرده ایم. ولی اتکای مالی ما به کسانی که گفتیم هیچ تعهد و الزامی غیر از آنچه تذکر دادم برای ما نمی آورد و برای این حرف های خود کار پیام مجاهد را شاهد آورد.

د بیت المقدس مفتي:

له مسجد الاقصی نه ملاتړ شرعي دنده ده

د عربي اماراتو چاپ الخلیج ورځپاڼې لیکلي چې: "د بیت المقدس مفتي شیخ محمد حسین فتوا صادره کړې او د نړی له مسلمانانو څخه یې غوښتي دي، چې له مسجد الاقصی نه په ملاتړ کې دې خپلې دیني او شرعي دندې عملي کړي. اوس چې دې جومات په څنګ کې کومې کندنې روانې دي، دا د مسجد الاقصی پر حریم تېري ګڼل کېږي. او له مسلمانانو څخه غواړو چې د صهیونستانو د دې عمل په مقابل کې خپله هوښیاري له لاسه ور نه کړي."

د یو بل خبر له مخې "د فلسطین د اطلاعاتو وزیر یوسف ابو زرقه پر مسجد الاقصی یاندې د اسرائیلو تیری په سیمه کې د یوې دیني جګړې د پیلولو پر لور هڅې وګڼلې، او دا چې اسرائیلو له مسجد الاقصی نه د اذن پر خپرولو بندیز لګولې دا یې هم یو پارونکی عمل دي، چې په اوسنیو شرایطو کې د سیمې او نړی د بې ثباته حالته په خپله ګټه کار اخلي."

د هېواد او سنی لاسته راوړنې

د کب د ۲۴ مې د شهیدانو د سربښندنو پایلي دي

په ۱۳۵۷ل د ثور په اوومه د پخواني شوروي اتحاد ګوډاګیانو د محمد داوودخان پر ضد خونړی کودتا وکړه او اسلم وطنجار د رادیو افغانستان له لارې نه خپله کودتا د انقلاب په نامه اعلان کړه. له اعلان سره جوخت په ګردو هېوادوالو کې د وېر او ماتم څپې خورې شوې؛ ځکه همدا ګوډاګیان وو، چې په هېوادوالو کې یې د بې دینی ښوونې او دملی ارمانو پر خلاف تبلیغات کول او ولس ته د دوی حقیقي څېرې بربنډې وي، په مازې چې دوی خپله واکمنې ټر ګوتو کړه او خپل ملحد مشران یې د دولت پر ګدیو کینول؛ نو ولس په ذهني توګه د دوی پرضد پاڅون ته چمتو و، نو هغه و، چې د ۱۳۵۷ل د حوت په ۲۴ مه په هرات کې ولس پاڅید او تر شایې مومن پوځیان هم ودرېدل او لاسپوځي یې رسوا کړل او نړې ته یې دا وښوده، چې د ګوډاګیانو پر قدرت کېناستل د یو خائن او ملی ضد حرکت پایله وه، او هېڅ ډول ولسي ملاتړ نه لري، د پاڅون په پوځي ملاتړو کې د جګړن شمشیر خان حصارشاهېوال، احمد تیزانی، جګړن عبدالعزیز ساویز، اسماعیل خان، شهید علاو الدین خان، لومړی بریدمن او نظر محمد خان هغه ځلانده ستوري دي، چې د اسلام او هېواد لپاره یې د خدای په لاره کې ځانونه قربان کړل؛ نو ځکه د قرآني آیت له مخې دوی د خدای په نزد ژوندي دي او ولس هم دوی ته لاس په دعا دي.

ولس پاڅون وکړ، خوځښت یې په ښه نیت او خودجوشه و او له مخکې نه د یوې سنجول شوې برنامې له مخې نه و، چې وکړای شي د ګوډاګیانو د راتلونکېو توطئو په مقابل کې لازم تدابیر ولري؛ نو ځکه پاڅون وځپل شو او یو زیات شمیر هېوادوال شهیدان شول.



د پاڅون ځینه که د پاڅونوالو په سیاسي او دنیوی بریا تمامه نه شوه؛ خو دا یوه نوی "سا" وه، چې په هېوادوالو کې پوکړای شوه، یو جرائت و، چې د ګردو هېوادوالو ته یې "پیل" وښود؛ یعنی دا پاڅون په افغانستان کې د جهاد پیلامه وه؛ نو ښېشکه چې د افغانستان جهاد له پولو اخوا نه دی پیل شوی، بلکې د پیل ټکې یې خپله هېواد دی؛ نو ځکه هم هېڅا او هېڅ قدرت و نه شو کړای، چې د ګوډاګیانو او یرغلګرانو پر ضد د جهاد بهیر منحرف کړي او دا د ولسي خوځښتونو طبیعي یوه ځانګړنه ده، چې څوك یې هم له اصلی بهیره نه شي اړولای.

د حوت د ۲۴ مې پاڅون د هېواد په تاریخ کې د یوی پیر پیلامه ده چې نسلونه او ولس پرې ویاړي، شهیدان یې د تاریخ زړهٔ دی، چې په هر وخت او زمانه کې د پردې یرغلګرانو پر ضد د پاڅون وینه پمپ کولای شي. مونږ چې سږ کال ۱۳۸۵ د دې "ملی دینی" پاڅون او شهیدانو یاد یې لمانځو، په هېواد کې مو د پردیو له لارې نه د راتپل شویو جګړونه وروسته دا دی د دولتی نظام ستنې ښخې شوي دی، هېواد درې ګونې قواوی لري او د وروستی ځل پارلمان په یوه خوله د ملی سولی منشور لاسلیك او ولسمشر توشیح کړ، چې تر دې وروسته به په بیړه د بیا رغاونی لپاره لارې چارې برابرې شي چې په حقیقت کې دا ټولې لاسته راوړنې د حوت د ۲۴ مې د شهیدانو د سربښندنې پایلی دي، د هغوی اروا وې دې خوشاله وي او له ټولو هېوادوالو نه غواړو، چې د خپلو شهیدانو د ارمانو د عملي کولو لپاره یوه شېبه هم په قرار کېنني.

دیدار هیأت جمعیت اسلامی افغانستان ...

روند کار انتخابات عمومی و انتخابات شهرداری ها و ولایت و ولسوالی ها اطلاعاتی مهم دادند.

اما در وزارت خارجه رئیس بخش آسیای جنوبی ترکیه مراد احمد میروک از هیأت پذیرایی کرد و او دربارهٔ تاریخ روابط ترکیه و افغانستان و نقش کنونی ترکیه در بازسازی و امنیت افغانستان مسائلی را مطرح کرد. هیأت جمعیت در این دیدار با مسؤولان وزارت خارجهٔ ترکیه از برنامه های این سفر اظهار رضایت کرد و بر گسترش روابط دوستانه میان افغانستان و ترکیه و ضرورت های آن تأکید ورزید.

پس از پایان مدت رسمی سفر در ۲ مارس شماری از اعضای هیأت برای سه روز از سوی مؤسسهٔ تعلیمی لیسه های افغان ـ ترک جهت دیدار از شهر تاریخی استانبول مرکز خلافت عثمانی دعوت شد که در طی این سه روز ضمن دیدار از جاهای تاریخی و موزه ها و مساجد شهر استانبول شهر مناره های بلند از دانشگاه فاتح و مرکز روزنامهٔ زمان دومین پر تیراز ترین روزنامهٔ ترکیه نیز دیدار کرد.

واقف حکیمی گفت: این سفر بسیار آموزنده و مفید بود و ما در همه جاها با گرمی و صمیمیت برخوردیم و بسیار بایسته به نظر می رسد که ما از تجارب کشور ترکیه که از جهاتی متعدد با کشور ما هم گونی دارد، از بایدها و نبایدهای آن در روند توسعه در کشور خود استفاده کنیم و جای دارد که در این راستا به گزارش تفصیلی این سفر و آموزه های آن بپردازیم. هرچند ما در این سفر غالباً به کمک ترجمان تفاهم می کردیم اما بسا موارد پیش می آمد که با شکستن حجاب زبان به همدلی می رسیدیم و می یافتیم که مولانا این سفیر دایمی ما در بلاد آسیای صغیر چرا قرن ها پیش گفته بود "همدلی از هم زبانی بهتر است".